

ای بی اس هم با رسانه های جهانی همصدا شد

## نفس رژیم ایران به شماره افتاده

مصاحبه با حسن اسدی

اختلاف راستی ها جدی شد

صفحه: ۴

ترور مشکوک د تهران

سیا یا وزارت اطلاعات؟

صفحه: ۲



اتمام حجت اصلاح طلبان

باجاکمیت

صفحه: ۳

اعتراف روزنامه جمهوری اسلامی:  
زنگ خطر به صدا در آمده است

صفحه: ۵

۲۷ دیپلمات جمهوری اسلامی پناهنده شدند

صفحه: ۶

فراکسیون ۷-۳۶ نفره قاتلین د رمجلس هشتم

صفحه: ۶

تقدیم عکاسی بزرگ جهان به مردم ایران و ندا

صفحه: ۷

ورشکستگی تولیدکنندگان پوشاک ایرانی

صفحه: ۷

کلینتون اعلام کرد:

تحریم رهبران و سپاه

صفحه: ۸

بیچاره مرتضوی!  
نوشابه امیری

جنبش سبز؛ روز شمار یک  
شکست سهمگین  
مزدک بامدادان

عزل و نصب مراجع دینی  
رضا فاتی یزدی

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری  
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی  
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده  
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:  
شهبلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه  
هزار و سیصد و هشتاد و هشت



## راههای سبز

### ترور مشکوک در تهران سیا یا وزارت اطلاعات؟

صبح دیروز بر اثر انفجار بمبی در قیطره تهران مسعود علی محمدی، استاد دانشگاه تهران کشته و دو تن از شهروندان مجروح شدند. سایت گویا خبر را چنین اعلام کرد:

"با ترور این استاد فیزیک، اخبار و شایعات مختلف و متناقضی چه در سایت های موافق دولت و چه مخالفین آن منتشر شده است. از سویی رسانه های وابسته به دولت سعی دارند مسعود علی محمدی را از حامیان دولت محمود احمدی نژاد معرفی کنند، و از سوی دیگر حامیان جنبش سبز او را از جمله طرفداران میرحسین موسوی معرفی کرده اند. اما در حالی که امروز صبح طی اطلاعیه ای با امضای "تکاوران تند" - انجمن پادشاهی ایران" مسئولیت این ترور به عهده گرفته شد؛ پس از چند ساعت اطلاعیه دیگری از "انجمن پادشاهی ایران" و در سایتی دیگر این خبر را تکذیب و مسئولیت ترور این استاد دانشگاه را سازمان اطلاعات دانست و آن را "شبیه سازی" و "توطئه جدید سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی علیه تند و انجمن پادشاهی ایران" خواند."

### آمریکا: اتهام مضحک

سایت رادیو فردا گزارش زیر را منتشر کرد:

وزارت خارجه ایالات متحده روز سه شنبه در واکنش به اتهام جمهوری اسلامی مبنی بر دست داشتن آمریکا و اسرائیل در «ترور» استاد دانشگاه تهران که صبح سه شنبه در قیطره تهران اتفاق افتاد این اتهام را «مضحک و بی معنی» خواند.

مارک تونز، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در پاسخ به مقام وزارت خارجه ایران اعلام کرد که «اتهام دخالت آمریکا [در این رخداد] مضحک و بی معنی است».

وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز سه شنبه در واکنشی سریع به خبر مرگ استاد دانشگاه تهران در اثر انفجار در منطقه قیطره تهران «عوامل صهیونیستی و مزدوران آمریکا» را مسئول این «رخداد تروریستی» معرفی کرده و آن را به شدت محکوم کرده بود.

در حالی که صبح روز سه شنبه معاون امنیتی استانداری تهران از وقوع انفجار و کشته شدن یک استاد دانشگاه در قیطره تهران خبر داد، خبرگزاری فارس اعلام کرد که این استاد فیزیک دانشگاه تهران، که صبح امروز در «اقدام تروریستی» جان خود را از دست داده، مسعود علی محمدی بوده است.

خبرگزاری نیمه رسمی فارس به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفت: «در تحقیقات اولیه علیمی از خبثت های مثلث رژیم صهیونیستی، آمریکا و عوامل اجبر شده آن در ایران در این رخداد تروریستی قابل رویت است».

رامین مهمان پرست، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، اشاره نکرده است که چه نهادی مسئولیت این «تحقیقات اولیه» را بر عهده دارد و «علایم خبثت ها» چه هستند.

آقای مهمان پرست ضمن این که در گفته های خود این استاد دانشگاه را «اندیشمند هسته ای» خوانده هشدار داده است که «اقدامات تروریستی و حذف ظاهری دانشمندان اتمی کشورها مانع از فرایند علمی و تکنولوژی نمی شود».

در همین حال خبرگزاری فارس در خبری دیگر گفت که انجمن پادشاهی ایران با انتشار اطلاعیه ای مسئولیت «ترور» آقای علی محمدی را بر عهده گرفته است.

انجمن پادشاهی ایران در واکنش به این خبر در اطلاعیه ای این اقدام را تکذیب کرد و در مقابل «سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی» را مسئول «شبیه سازی» و «بسیار خود و صدور اطلاعیه به نام این انجمن معرفی کرد».

همچنین دردانه فولادوند، مسئول بخش خبری این انجمن، در گفت و گو با رادیو فردا اعلام کرد که «انجمن مسئولیت این اقدام را بر عهده نمی گیرد».

آقای علی محمدی که برخی خبرگزاری های ایران از او به عنوان دانشمند ارشد هسته ای نام برده اند، دانش آموخته دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی در دانشگاه صنعتی شریف بود و از سال ۱۳۷۴ در گروه فیزیک دانشگاه تهران، کوانتوم مکانیک و الکترومغناطیس تدریس می کرد. وی همچنین عضو وابسته پژوهشگاه دانش های بنیادی ایران بود.

نام این استاد دانشگاه تهران در «پایگاه اطلاع رسانی دانشگاهیان حامی میرحسین موسوی» در میان نام استادانی آمده است که دو روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری از نامزدی آقای موسوی برای مقام ریاست جمهوری ایران حمایت کرده اند.

### ترور استاد دانشگاه

سایت فارسی بی بی سی رویداد را چنین منعکس کرد:

گزارش های خبری از کشته شدن یک استاد دانشگاه در انفجاری در تهران حکایت دارد و برخی منابع خبری داخلی «ترور» او را به دشمنان خارجی و عناصر مخالف حکومت نسبت داده اند.

روز سه شنبه، 12 ژانویه (22 دی)، واحد مرکزی خبر گزارش کرد که «یک استاد متعهد و انقلابی دانشگاه تهران» به نام مسعود علی محمدی «در اقدام تروریستی عناصر ضد انقلاب و استکبار به شهادت رسید».

واحد مرکزی خبر در گزارش های بعدی قربانی این انفجار را استاد پنجاه ساله دانشگاه معرفی کرده افزوده که گفته می شود وی «دانشمند فیزیک هسته ای» بود.

در این گزارش آمده است که وسیله انفجاری در یک موتور سیکلت جاسازی و موتور سیکلت در کنار در خانه آقای علی محمدی به یک درخت بسته شده بود و هنگام خروج وی از خانه، منفجر شد.

واحد مرکزی خبر زمان انفجار صبح سه شنبه را حدود ساعت 8 بامداد گزارش کرده و افزوده است که در این حادثه، موتور سیکلت حامل بمب منهدم شد و به چند دستگاه خودرو آسیب شدید رسید و شیشه های ساختمان ها تا شعاع صد متری محل انفجار شکست.

ساعتی بعد، روابط عمومی دانشگاه تهران با صدور بیانیه ای، «شهادت مظلومانه» مسعود علی محمدی، عضو هیات علمی این دانشگاه را تسلیت گفت و قتل او را به «دشمنان اسلام و انقلاب» نسبت داد.

در مورد نحوه کشته شدن آقای محمدی گزارش های متفاوتی در رسانه های خبری جمهوری اسلامی منعکس شده و در حالیکه برخی گزارش ها این شخص را هدف یک طرح ترور با انگیزه سیاسی قلمداد کرده اند، گزارش های دیگر شامل آغاز تحقیقات در مورد این حادثه است.

خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - در نخستین گزارش در این مورد، از انفجار بمب «در محدوده شمال تهران در قیطره» خبر داد و به نقل از یک منبع آگاه در نیروی انتظامی گفت که هنوز از تعداد کشته شدگان این انفجار اطلاعات کافی در دست نیست و اطلاعات کامل بعدا انتشار خواهد یافت. ساعتی بعد، این خبرگزاری «شهادت استاد فیزیک دانشگاه تهران در یک اقدام تروریستی» را گزارش کرد و نوشت که بمب کنترل از راه دور در موتور سیکلت مجاور خودرو مسعود علی محمدی جاسازی شده بود.

در عین حال، ایرنا نوشت که هیچ فرد و گروهی هنوز مسئولیت «این عملیات تروریستی» را بر عهده نکرده و مضمونی در این زمینه بازداشت نشده است.

از سوی دیگر، خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا - به نقل از مصاحبه ای اختصاصی با عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، گفته است که صبح سه شنبه، یک استاد دانشگاه به نام مسعود علی محمدی هنگامی که قصد سوار شدن به خودرو خود را داشته با انفجار موتور مجاور خودرو کشته شده است.

دادستان تهران ضمن اعلام انتقال جسد این فرد به پزشکی قانونی، از بازدید بازپرس از محل حادثه و آغاز تحقیقات به منظور دستگیری عامل این انفجار و علت و انگیزه آن در داسرای جنایی خبر داده است.

**گزارشهای اولیه**

خبر وقوع انفجار در تهران بامداد سه شنبه از شبکه تلویزیونی عرب زبان العالم و شبکه تلویزیونی انگلیسی زبان پرس تی وی متعلق به دولت ایران پخش شد که گزارش کردند که یک استاد دانشگاه تهران در انفجار بمب کنترل از راه دور در نزدیکی خانه خود در شمال تهران کشته شده است.

بر اساس گزارش اولیه این شبکه های خبری، مسعود محمدی، استاد دانشگاه تهران، پس از خروج از خانه خود در منطقه قیطره در صدد «سوار شدن بر موتور سیکلت خود» بود که انفجاری روی داد و او را کشت.

ساعتی بعد، خبرگزاری فارس در گزارشی درباره کشته شدن مسعود (علی) محمدی «استاد متعهد فیزیک» دانشگاه تهران، اطلاع داد که این فرد هنگام خروج از خانه اش در قیطره در اثر انفجار یک بمب کنترل از راه دور کشته شد.

برخی نهادهای دولتی و منابع خبری جمهوری اسلامی بر تعهد، «انقلابی بودن» و «ولایی بودن» مسعود علی محمدی تاکید نهاده اند و در همانحال امضای شخصی به همین نام در میان دانشگاهیان حامی نامزدی میرحسین موسوی دیده می شود.

این خبرگزاری کشته شدن آقای محمدی را یک «اقدام تروریستی» و عاملان آن را «عناصر ضد انقلاب» خوانده و افزوده است که بمب عامل انفجار در یک موتور سیکلت جاسازی شده بود و در فاصله نزدیک این شخص منفجر شد و او را در دم کشت.

در مورد سوابق مسعود محمدی و علل و عوامل و انگیزه انفجار منجر به کشته شدن او هنوز جزئیات بیشتری در دست نیست اما در سایت اینترنتی دانشگاه تهران، نام مسعود علی محمدی به عنوان یکی از اعضای هیات علمی در پردیس علوم این دانشگاه ذکر شده است.

همچنین، خبرگزاری فارس با انتشار تصویری از آقای علی محمدی نوشته است که این شخص دارای دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی از دانشگاه صنعتی شریف بود و از سال 1374 در گروه فیزیک دانشگاه تهران کوانتوم و الکترومغناطیس تدریس می کرده است.

خبرگزاری فارس آقای علی محمدی را یکی از اساتید «ولایی» توصیف کرده و در مورد سوابق او از تصدی ریاست دانشکده فیزیک و معاونت پژوهشی پردیس علوم دانشگاه تهران یاد کرده است و رادیو و تلویزیون دولتی ایران، با نام بردن از وی به عنوان دانشمند هسته ای، عوامل آمریکا، اسرائیل و استکبار جهانی را به بمب گذاری روز سه شنبه متهم ساخته است.

در همانحال، نام مسعود علی محمدی در میان اسامی چهار صد و بیست تن از اساتید دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران دیده می شود که در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، با صدور بیانیه ای از میرحسین موسوی حمایت کردند.

امضاکنندگان این بیانیه که روز 19 خردادماه در «پایگاه اطلاع رسانی دانشگاهیان حامی میرحسین موسوی» انتشار یافت، ضمن ابراز نگرانی در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی کشور، نسبت به پیروزی آقای موسوی در انتخابات ابراز امیدواری کرده بودند.

همزمان، خبرگزاری مهر با گزارش زخمی شدن دو نفر در این حادثه، به نقل از رئیس پردیس علوم دانشگاه تهران گفته است که مسعود علی محمدی یکی از اساتید برجسته فیزیک و دارای تالیفات متعدد علمی بود اما فعالیت سیاسی نداشت.



## راههای سبز

### پنج راه کروی پیش پای جمهوری اسلامی انمام حجت اصلاح طلبان با حاکمیت

یک روز بعد از سخنرانی رهبر جمهوری اسلامی که به نظر کارشناسان در آن هیچ نشانه‌ای از نرمش نبود و یک هفته بعد از بیانیه هفدهم میرحسین موسوی که گروه‌های هوادار دولت هیچ همدلی نسبت به انعطاف آن نشان ندادند مهدی کروی در نامه‌ای خطاب به مردم ایران، ضمن اعلام آمادگی خود برای "هر گونه مصیبتی"، پنج راهکار برای خروج کشور از "بحران" ارائه کرد.

اعتراف، توبه ظالمان و بخشش مردم، اصلاح انحراف در انقلاب، پرهیز از خشونت، ریشه‌یابی و علت‌یابی حوادث اخیر و مناظره با نمایندگان حکومت" برای حل بحران سیاسی فعلی ایران از سوی مهدی کروی مورد تاکید قرار گرفته است. همزمان با انتشار نامه این نامزد معترض به کودتای انتخاباتی 22 خرداد، سید محمد خاتمی نسبت به عواقب عدم پذیرش بحران در جامعه هشدار داد و علی اکبر هاشمی رفسنجانی نیز با تاکید بر خشکاندن ریشه اختلافات، اعلام کرد: "اقدامات برای حل مسائل موجود و رفع اختلافات باید با درک اهمیت زمان صورت پذیرد و ائتلاف وقت می‌تواند فرصت‌ها را نابود کند".

#### انتقاد شدید از حوادث روز عاشورا

مهدی کروی روز گذشته با انتشار نامه‌ای خطاب به مردم ایران، از وقایع روز عاشورا و نحوه برخورد نظامیان با مردم به شدت انتقاد کرده و اعلام کرد: "آنچه از خشونت عریان به چشم دیدیم و آن کشتار بیرحمانه چیزی نبود که بتوان از کنار آن به راحتی گذشت".

وی نوشته است: "خشونت برخی نیروهای حافظ امنیت و ارزان شدن جان آدمیزاد بدانجا رسید که در ظهر عاشورا، در جمهوری اسلامی ایران، با خودروی نظامی، مردم زیر گرفته می‌شوند و از بلندی پرتاب می‌گردند و سینه آنها را هدف گلوله قرار می‌دهند، لابد به آن دلیل که از رای خود پرسیده و صدایی برای حق خواهی بوده اند".

رئیس سابق مجلس با بیان اینکه "زبان‌ها را بسته می‌خوانند تا صدای دلخراش این جنایت به گوش‌ها نرسد" مقامات جمهوری اسلامی را متهم کرد که از انعکاس جنایات رخ داده در روز عاشورا جلوگیری به عمل آورده اند. او پرسیده است: "گیریم که همگان را با ارعاب و تهدید به سکوت وادارند، با فیلم‌ها و تصاویری که جان دادن شیعیان حسینی در روز عاشورا را به تصویر می‌کشند و تصویری که به نام جمهوری اسلامی برای آیندگان به یادگار خواهد ماند چه می‌توان کرد؟"

به گفته کروی، حوادث بعد از انتخابات در بازداشتگاه‌ها و برخورد خشونت آمیز مأموران با زنان و دستگیری‌های قله‌ای و دادگاه‌های فرمایشی و ارعاب‌توریزه شده کم بود که دست آقایان به خون مردم در روز عاشورا حسینی هم آغشته شد.

دبیر کل حزب اعتماد ملی نوشته است: "کسانی که شب عاشورا به حسینیه جماران یورش بردند، با چاقو و قمه به مردم در تهران و مشهد حمله کردند، برای دیگران حکم محاربه صادر می‌کنند و مردم را فریب خورده و مزدور اجنبی می‌خوانند و بعد، از شکسته شدن حرمت امام و عاشورا نیز سخن می‌گویند".

وی افزوده است: "با چاقو و قمه به جان مردم در تهران و مشهد می‌افتند و بعد حکم محاربه برای دیگران صادر می‌کنند. موجب بگیران را به جان مردم می‌اندازند و مردم را فریب خورده و مزدور اجنبی می‌خوانند. منتقدان خود را منافق می‌نامند و کسی را روانه زندان می‌کنند که پدرش شهید مظلوم آیت اله بهشتی، قربانی منافقین بوده است. او را بازداشت می‌کنند آن هم در دانشگاه و در سر کلاس درس. البته آقایان حرمتی نیز برای دانشجو و دانشگاه باقی نگذاشته‌اند و دانشگاه را پادگان کرده‌اند. دیدیم که چگونه در شانزدهم آذر ماه به دانشگاه قشون کشی کردند و دانشجویان را روانه زندان ساختند".

کروی با اشاره به احترام خاص مردم ایران اعم از شیعه و سنی و پیروان ادیان دیگر به روز عاشورا نوشته است: "آقایان به عینه حرمت عاشورا را شکسته‌اند و با این حال مردمی چنین نجیب را به شکستن حرمت عاشورا متهم می‌کنند؛ انگار ندیده‌اند که شهیدان ما در عاشورای امسال لباس سیاه بر تن داشتند. گناهی را با گناه دیگر می‌شویند و یک دروغ را با دروغ دیگر تکمیل می‌کنند. گویا برای هدفی مقدس می‌توان دروغ را بر دروغ انباشت. آقایان از اندیشه ماکیاولی تنها همان جمله را خوب آموخته‌اند که هدف وسیله را توجیه می‌کند. دروغ می‌گویند اما تا به کی؟"

وی سپس به تنهایی حکومت اشاره کرده و با بیان اینکه "انقدر احساس ترس و تنهایی می‌کنند که علما و چهره‌ها را در تنگنا قرار می‌دهند تا ببینند و با مظالم‌شان همراه شوند" ادامه داده است: "امامان جمعه را بسیج می‌کنند تا در حرکتی هماهنگ به میدان بیایند و منتقد معترض را محارب بخوانند و راه را برای یک سناریوی از پیش طراحی شده دیگر بگشایند. معنای همه چیز وارونه شده بود که محارب نیز بر آن افزوده شد. نمی‌دانستیم که طلب کردن رای خود و اعتراض به زدی سیاسی نیز از نگاه آقایان مساوی با محاربه و مصداق مفسد فی الارض است. تقسیم مردم به شهروند درجه یک و دو و خس و خاشاک کم بود که مردم را بزغال و گوساله نیز نامینند. مرحبا به این جسارت و بی‌پروایی!"

واکنش دبیر کل حزب اعتماد ملی به اظهارات علم‌الهدی، امام جمعه شهر مشهد است که در تجمع نهم دی ماه حامیان آیت الله خامنه‌ای و محمود احمدی نژاد، منتقدان و مخالفان ولی فقیه را مشت‌بزن‌گاله و گوساله خوانده بود.

کروی آنگاه خدا را شاهد گرفته است که "برای چهار روز حکومت چه ابرویی از اسلام و انقلاب بردند و چه ارزان موجبات تنفر مردم از روحانیت را فراهم کردند و چگونه یک جدال سیاسی را به یک جنگ مذهبی تبدیل کردند تا بتوانند به نام دین، حق خواهی سیاسی مردم را سرکوب کنند".

او با اشاره به اطلاعیه "یک گروه سیاسی به نام جامعه مدرسین" درباره "سلب مرجعیت از آیت الله صاعی" نوشته است: "جامعه مدرسین فعلی گویا تصور می‌کند از همان جایگاهی رفیعی برخوردار است که جامعه مدرسین پیش از انقلاب و در ابتدای انقلاب برخوردار بود. برخی از اعضای تازه به دوران رسیده جامعه مدرسین در غیاب اساتید گرانقدر بر این خیال‌خامند که یک مرجع را با یک اطلاعیه می‌توان از مرجعیت به در کرد".

این نامزد معترض به کودتای انتخاباتی 22 خرداد با تاکید بر اینکه "به نام مذهب، حکومت می‌کنند و با این حال چنین آبرو از مذهب می‌برند" افزوده است: "در حکومت اسلامی به مسجد و منزل و مدرسه عالم مجاهد آیت الله علی محمد دستگیر به خاطر اظهار نظری حمله ور میشوند و مردم را با توسل به زور از مسجد بیرون و خانه خدا را پلمپ می‌کنند".

#### آماده برای هر مصیبتی

نامه مهدی کروی خطاب به مردم ایران و ارائه راهکارهای این نامزد معترض به کودتای 22 خرداد برای خروج از بحران سیاسی در ایران در حالی روز گذشته منتشر شد که ده روز پیشتر میرحسین موسوی نیز با انتشار بیانیه‌ای 5 راه حل برای خروج از بحران پیشنهاد کرده و نوشته بود که تا مقامات جمهوری اسلامی وجود بحران جدی در کشور را به رسمیت نشناسند، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد.

"مسئولیت‌پذیری دولت در برابر مجلس و قوه قضائیه، اصلاح قانون انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رعایت حق آزادی بیان و اجتماعات" راه حل‌های پیشنهادی نخست‌وزیر زمان جنگ بود که هر چند مورد استقبال تعدادی از اصولگرایان معتدل قرار گرفته بود اما واکنش تند حامیان محمود احمدی نژاد را در پی داشت. به طوریکه آنان خواستار توبه موسوی از مواضع خود شده و حتی تا بدانجا پیش رفتند که اعلام کردند

موسوی و کروی یا توبه کنند یا از ننگ پیش آمده، خودکشی کنند!

از این رو کروی، در نامه‌اش که در وب سایت سحام نیز منتشر شده، رویکرد میرحسین موسوی در بیانیه شماره 17 را "نجیبانه" توصیف کرده و با اشاره به واکنش‌های خصمانه و توهین و هتاک‌های صورت گرفته اعلام کرد که "به نظر می‌رسد برخی دست اندرکاران تمایلی به آرامش ندارند در حالیکه خروج از بحران کنونی در گرو اجرای قانون اساسی، به خصوص استقلال قوه قضائیه و اجتناب از سیاست در امر قضاوت است که در حال حاضر، محقق نیست".

وی تصریح کرد: "عده‌ای بر این گمان‌اند که با بستن تمام روزنه‌های اصلاح و دربند کردن تمام اصلاح طلبان، چراغ اصلاح طلبی خاموش خواهد شد و پرچم مبارزه با دروغ و فریب به زمین خواهد افتاد اما من شهادت می‌دهم که ارعاب‌ها و تهدیدهای روز افزون نه تنها مرا در پیوند مسیری که در پیش گرفته‌ام سست تر نکرده که راسخ تر کرده و به واسطه ایمانی که به راه خویش دارم، خود و فرزندانم را آماده هرگونه مصیبتی نیز ساخته‌ام".

موسوی نیز با بیان اینکه آماده شهادت است اعلام کرده بود: "فرمان اعدام و قتل و زندانی کروی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد".

#### راه حل‌های پنج‌گانه

"اعتراف و توبه ظالمان و بخشش مردم" نخستین پیشنهاد مهدی کروی است که رئیس سابق مجلس در توضیح این پیشنهاد نوشته است: "آنانی که مسبب مظالم عاشورای حسینی و حوادث پس از انتخابات بوده‌اند باید توبه کنند نه آنهایی که برای احقاق رای خود شهید داده‌اند. آنهایی باید توبه کنند که چوب حراج بر ثروت ملی کشور زده‌اند و از کیسه مردم حاتم بخشی کرده‌اند و مردم را در فقر و تنگدستی رها کرده‌اند. آنهایی باید توبه کنند که افراد بی‌صلاحیت را تایید صلاحیت کردند و افراد واجد صلاحیت را رد کردند و مردم را از حق انتخاب کردن محروم ساختند و برای تغییر رای مردم جواز صادر کردند و اعتراض مردم را با گلوله سرکوب نمودند. آنهایی باید توبه کنند که دانشجویان را از تحصیل محروم کردند و بی‌دانشان را بر صدر نشاندند".

دبیر کل حزب اعتماد ملی، توبه ظالمان را اولین راه بازگشت آرامش به کشور و تسکین دل‌های داغیده دانسته و افزوده است: "مردم ایران آیدن اهل زیاده خواهی نیستند. توبه کنندگان را که به گناه خود اعتراف کنند خواهند بخشید اگرچه ظلم آنها را فراموش نخواهند کرد".

وی "اصلاح انحرافات" را به عنوان دومین پیشنهاد خود مطرح کرده و توضیح داده است: "انقلاب را بی‌شک صاحبان قدرت منحرف کرده‌اند و نمی‌توان باز این انحراف را بر دوش مردم گذاشت. اصلاح این انحراف نیز تنها در گرو اجرای قانون اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که ما آنها را امضا کرده و به اجرای آنها متعهدیم. آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن فضای نقد و نقادی، آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت حرکت در مسیر اصلاحی است. نمی‌توان افراد را به صورت قله‌ای بازداشت و محاکمه کرد و بدون وکیل و هیات منصفه و به صورت غیر علنی و در فضایی امنیتی و بدون رعایت اصول دادرسی هر اتهامی را بر آنها بار کرد و با این حال دم از انقلاب و جمهوریت و اسلامیت نیز زد. انقلاب ما به انحراف رفته است و این انحراف تنها با به رسمیت شناختن آزادیهای مصرح در قانون اساسی اصلاح خواهد شد".

به گفته کروی، "احیای آزادی‌ها و مبارزه با استبداد را تنها با ابزار اصلاحات می‌توان پیش برد".

از این رو او با تاکید بر "پرهیز از خشونت" به عنوان سومین پیشنهاد خود، تصریح کرده است: "ما معتقد به اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی متکی بر آرای ۹۸ درصدی هستیم نه جمهوری اسلامی‌ای که ارزشی برای رای مردم قائل نیست. بر این اساس ما معتقد به اصلاحات و مبارزه غیر خشونت آمیز برای بازگرداندن قطار انقلاب به ریلی هستیم که از آن خارج شده است".



وی یادآور شده است که "برخی از دست اندرکاران امور از افزایش خشونت استقبال می کنند چه آنکه آنها تنها در فضایی آکنده از خشونت است که می توانند راه را برای سرکوب بگشایند. از اینرو پرهیز از خشونت اصلی اساسی در حق خواهی اصلاح طلبانه ما بوده است و خواهد بود".

کروبی در بند چهارم بر "ریشه یابی و علت یابی حوادث اخیر" تاکید کرده و نوشته است: "دستگاههای امنیتی بهتر است که به جای پروژه های نخ نما شده و اعتراف گیری های بی حاصل به دنبال ریشه یابی اتفاقات باشند؟ به فرض که مردم معترض رفتاری تندتر از انتظار نیز در روز عاشورا از خود نشان داده باشند باید به سراغ علت ها رفت نه نتیجه!"

وی با اشاره به اینکه "اگر خشونت از سوی برخی از مردم سرزده است باید دید که چه برخوردی با آن جمعیت میلیونی در بیست و پنجم خرداد که تنها شعارشان سکوت بود صورت گرفت که آنها چنین تغییر مشی داده اند؟" پرسیده است: "آیا اگر خشونت از سوی برخی معترضین صورت گرفته باشد نتیجه خشونت برهنه و ظلمی نیست که بر آنها روا شده است!"

رئیس سابق مجلس به دستگاه امنیتی توصیه کرده "به جای آنکه در توجیه حوادث و سناریوی ذهنی خود بر دایره بازداشت ها بیافزاید بهتر آن است که ریشه این مظالم و خشونت ها را شناسایی کنید".

به اعتقاد کروبی، "ریشه این اتفاقات و مظالم و عصبانیت مردم نیز به انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ بر می گردد"، انتخاباتی که به گفته او نقطه آغازی در نادیده گرفتن رای و حق مردم بود.

کروبی سپس به عنوان پنجمین پیشنهاد، آمادگی خود را برای مناظره با هر نماینده ای از سوی حکومت اعلام کرده تا به گفته او مشخص شود که این انقلاب را چه کسانی به انحراف بردند و مسئول مظالم رفته بر مردم چه افراد و گروه هایی هستند.

وی با بیان اینکه "ما را منافق و فتنه جوی و وابسته به دولتهای غاصب و سلطه جو خوانده اند"، در پایان نامه اش اضافه کرده است: "شیوه ما البته این نیست که مخالف خود را منافق و ضدانقلاب و برگشته از اسلام بخوانیم. اما تنها یک مناظره و واقعی که مردم نظاره گر مستقیم آن باشند روشن خواهد ساخت چه کسی با حق است و چه کسی بر حق؛ چه کسانی از منافع ملی، عزت و سربلندی مردم بزرگ ایران و آرمان های امام فاضله گرفته و چه کسانی هنوز بر آن آرمان ها پایبند هستند. در این میان داوران اصلی مردم خواهند بود و چه داوری بهتر از مردم".

**منبع: فرشته قاضی- روز آن لاین**

### حرف های حسن اسدی در باره حوادث روز

## اختلاف راستی ها جدی شد

در پیوند با گزارش اخیر کمیته ویژه مجلس و همچنین پیرامون وضعیت بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات، با حسن اسدی زیدآبادی، مسئول کمیته حقوق بشر ادوار تحکیم وحدت گفتگو کرده ایم. وی در این مصاحبه ضمن اینکه گزارش کمیته ویژه مجلس را "ناقص" می داند، تاکید می کند: "وقتی مجلس با این صراحت از مرتضوی اسم می برد و یک روز بعد احمدی نژاد اینگونه او را بر صدر می نشاند، این می تواند یکی از بهترین نشانه های عدم کفایت سیاسی احمدی نژاد نزد اصولگرایان معتدل مجلس باشد". این مصاحبه در پی می آید.

**آقای اسدی، گزارش کمیته ویژه مجلس پس از چند ماه بالاخره منتشر شد. در یک نگاه این گزارش را چه طور ارزیابی می کنید؟**

به نظر من باید میان اصل انتشار گزارش و آثار سیاسی آن و متن و محتوای آن تمکیک قایل شد. از منظر اول در این گزارش، با توجه به ترکیب کلی مجلس هشتم و ترکیب

همین کمیته ویژه، وجود بازداشتگاهی تحت نظارت قوه قضاییه و اعمال شکنجه در حد مرگ متهم و شرایط بسیار بد نگهداری زندانیان، تایید شده است. همچنین در این گزارش به طور مشخص از دادستان پیشین تهران [که همگان از ارتباط وی با لایه های تدریج جناح اقتدارگرا باخبرند] به عنوان مسئول فجایع کهریزک نام برده شده است. این درحالی است که معترضان به نتیجه انتخابات، پس از گذشت هفت ماه، در سخت ترین شرایط قرار دارند و از سوی برخی مسئولان و مقامات، وعده برخورد های شدیدتر و پایان دوره رفت اسلامی هم داده می شود.

**در این گزارش صراحتا آمده که بازداشت شدگان به دستور مرتضوی به کهریزک منتقل شده اند. همزمان نوشته شده که ادعای مرتضوی در خصوص شیوع منتریت کذب بوده. به عبارتی بیشترین مسئولیت اتفاقاتی که در کهریزک افتاده متوجه مرتضوی شده است. با توجه به سوابق آقای مرتضوی فکر می کنید همین موارد اتهامی، چه سرنوشتی را برای او رقم خواهد زد؟**

متن قرائت شده در مجلس در واقع گزارش قتل سه تن از دستگیرشدگان روز 18 تیر است که بر اساس همین گزارش به طرز دردناکی جان باخته اند. این گزارش می گوید 147 متهم با دستور مرتضوی، که دادستان تهران بوده است، به کهریزک منتقل شده و در آنجا با اصرار مجدد وی، این تعداد در یک اتاق 70 متری و در جوار 30 نفر از ارادل و اوباش نگهداری شده اند؛ و در طی چهار روز بر اثر ضرب و شتم شدید و شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه دیگر تعدادی از آنها مصدوم شده اند. در هله بعد به درخواست مکرر این زندانیان برای رسیدگی درمائی پاسخی داده نشده است و در نهایت به طرز واقعا دردناکی در حال انتقال به زندان اوین و در اتوبوس و پس از آن در ورودی اوین این سه نفر فوت شده اند. این گزارش، ضرب و شتم و شکنجه و همچنین عدم رسیدگی درمائی را عامل مرگ سه نفر می داند، یعنی سه نفر اینجا به قتل رسیده اند و طبعا دستگاه قضایی باید قاتل یا قاتلان را محاکمه کند. دادستان تهران در این گزارش به عنوان مسبب این قتل ها معرفی شده است، اما مباشران این قتل ها معرفی نشده اند؛ شاید از نظر نمایندگان عضو کمیته ویژه مجلس در اینجا اصطلاحا "سبب اقوی از مباشر" بوده است و فعل مجرمانه قتل، توسط یک سیستم معیوب ارتکاب یافته که طبعا بایستی اجزای آن و در راس همه آنها دادستان تهران یعنی سعید مرتضوی به عنوان عامل اصلی قتل این سه جوان محاکمه شوند؛ به هر حال مجازات قتل هم در حقوق ایران در چنین شرایطی مطابق شریعت، قصاص است. خانواده این افراد، از جمله پدر محسن روح الامینی هم که حتی در مقابل رهبر جمهوری اسلامی گفته است که از حق قصاص خود نخواهد گذشت.

**اما درست یک روز بعد از انتشار این گزارش شاهد این هستیم که آقای مرتضوی با حکم آقای احمدی نژاد به عنوان رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مراسم معارفه به عمل می آورد. این تناقض بیانگر چیست؟**

این رفتار احمدی نژاد به نظر من باید در چارچوب اعتقاد او به دفاع از مدیران اش تعبیر شود؛ همان سیاستی که در مورد کردان، مشایی و... اعمال شده است. به این شکل محمود احمدی نژاد عملا اثبات می کند که مرتضوی یکی از مردان اوست و نمی خواهد او را دم تیغ بدهد.

**اما آقای مرتضوی قبلا در قوه قضاییه بودند و برای اولین بار است که در دولت سمتی می گیرند.**

بله. واقعیت این است که اتفاقات اخیر و سرکوب های گسترده در یک مجموعه تدریج تصمیم گیری می شود که آدم های خاص خود را در ارکان مختلف نظام دارد؛ این افراد را بایستی قبلا از آنکه در سمت حقوقی شان دید، در این جایگاه مافیایی ارزیابی کرد. حالا دیگر این مساله خیلی روشن شده است و به نظر من وقتی مجلس با این

صراحت از مرتضوی اسم می برد و بعد احمدی نژاد اینگونه او را بر صدر می نشاند، این می تواند یکی از بهترین نشانه های عدم کفایت سیاسی احمدی نژاد نزد اصولگرایان معتدل مجلس باشد. به هر حال باید منتظر ماند و دید که آیا مرتضوی مثل سردار نقدی می شود و بیشتر قدر خواهد دید یا به سرنوشت سعید امامی دچار خواهد شد.

**یعنی فکر می کنید این اتفاقات شکاف بین اصول گرایان را بیشتر می کند؟**

بله، قطعاً همینطور خواهد بود. با تداوم ایستادگی جنبش سبز و اصلاحاتی که در جریان اداره کشور وجود دارد ما روزبه روز شاهد گسترش تناقض ها در میان این طیف خواهیم بود؛ همین مساله مرتضوی قطعاً در روزهای آینده سوژه داغی خواهد بود.

**برگردیم به گزارش کمیته ویژه مجلس. در این گزارش، به نظر می رسد نقش رده های بالای نیروی انتظامی در حوادث کهریزک کم رنگ یا کم اهمیت نشان داده شده و بیش از نیروی انتظامی، دستگاه قضایی مسئول دانسته شده. آیا واقعا نقش نیروی انتظامی در همین حدی بوده که در گزارش آمده؟**

در این گزارش بارها از بدرفتاری، ضرب و شتم و عدم رسیدگی و... سخن به میان آمده است، بر این اساس افکار عمومی از خود می پرسد به هر حال چه کسانی مرتکب این اعمال شده اند؟ قبلا رسم بر این بود که امر معرفی نشود و عامل متهم شود، اما اینبار به گونه ای دیگر رفتار شده است. یعنی مرتضوی به عنوان امر معرفی شده، اما هیچ اشاره ای به افرادی که بر خلاف قانون اقدام به ضرب و شتم و شکنجه و در نهایت قتل متهمان کرده اند نشده است. مدیریت کهریزک با نیروی انتظامی بوده است و پیش از این هم از سوی دادسرای نظامی گفته شده که تعدادی از ماموران ناجا در این پرونده متهمند. به هر حال ما در قانون اصلی داریم که امر غیرقانونی امر قانونی، رافع مسئولیت کیفری نیست و المامور معذور عذری ناموجه است. بنابراین در شرایطی که همگامی می دانستند ضرب و شتمی انجام شده است و تعدادی فوت شده اند، کار این کمیته این بود که مشخص کند چه کسانی عاملان قتل هستند که می دانیم این مساله منسب به ناجا است اما با کمال تعجب تنها اشاره کوتاه و کلی به نقش نیروی انتظامی شده است و در نهایت، افزایش بودجه و توصیه به نظارت بیشتر، راهکار این کمیته در مقابل تخلفات نیروهای انتظامی است.

**نقایص دیگری که این گزارش دارد از دید شما کدامها است؟**

همانطور که گفتیم، این گزارش بسیار ناقص است. اولاً، به کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان در جریان اعتراضات، که به گفته مقامات دولتی حداقل سی نفر بوده و معترضان رقمی بالاتر از 70 نفر را معتقدند، هیچ اشاره ای نشده است. این عمده ترین نقص گزارش است. همچنین در مورد خسارات جانی و مالی که از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی به مردم در سطح خیابانها وارد شد و تعرضاتی که به منازل شد، هیچ توضیحی نمی دهد؛ مسائلی که فیلم های متعدد از آن موجود است. این گزارش که بیشتر بر بازداشت شدگان متمرکز شده، صرفاً به بازداشت های تا 18 تیر پرداخته و با توجه به موج های متعدد بازداشت پس از این تاریخ به هیچ کدام از آنها نپرداخته است. از سوی دیگر به نظر می رسد عمده ترین کار این کمیته در مورد بازداشت شدگان، باید ارائه آمار روشنی از تعداد زندانیان پس از انتخابات باشد اما در هیچ جای این گزارش چنین آمارى ارائه نشده است. درحالی که اواسط مردادماه، جمشیدی سخنگوی پیشین قوه قضاییه اعلام کرد 4000 نفر بازداشت شده اند؛ حتی این مساله هم مورد تایید یار د این کمیته قرارنگرفته است. بعلاوه، نکته جالبی در این گزارش وجود دارد که در واقع حکایت از نوع نگاه حاکمیت به حقوق و کرامت انسان هاست. در این گزارش به صراحت آمده ظلمی که به مردم رفته و جان



آنها سلب شده است از ظلمی که در جریان کهریزک به نظام رفته و آبروی نظام رفته، کوچکتر است. البته در اینکه آبروی نظام رفته است شکی نیست؛ چرا که اولاً، شکنجه یک بی آبرویی است. ثانیاً، مرگ در زیر شکنجه یک واقعه بی سابقه است که در هیچکدام از زندانهای بدنام عالم سابقه نداشته است، اما اینکه گفته شود آبروی نظام مهمتر از جان انسانهاست، واقعا حرف عجیبی است که مخالف اعتقادات ماست. جایی که در اسلام گفته می شود هتک آبروی یک مومن از هتک حرمت خانه خدا هم گناهش بالاتر است.

**در این گزارش آقایان موسوی و کروبی، مسببین همه این حوادث قلمداد شده اند به این علت که آنها در نتیجه انتخابات تشکیک به وجود آورده اند. به گفته تهیه کنندگان این گزارش، اگر موسوی و کروبی به نتیجه انتخابات اعتراض نمی کردند این اتفاقات هم نمی افتاد. با اینکه کارویژه این کمیته چیز دیگری است، اشاره آنها به موسوی و کروبی و حتی درخواست برخورد با آنها، ناشی از چیست؟**

این مساله ناشی از نوعی باج دهی سیاسی است. یعنی همان مثال معروف "یکی به میخ یکی به نعل". تهیه کنندگان به گونه ای خواسته اند در برابر معرفی کردن مرتضوی به عنوان عامل قتل تعدادی از زندانیان، باتوجه به وابستگی او به حامیان دولت احمدی نژاد، قدری هم به رهبران جنبش سبز بتازند تا اینکه به اصطلاح خودشان را در مسیر تعادل نشان دهند. البته پیش از این بارها درخواست برخورد با "سران قتنه" در بیانیه های گروه های مختلف اصولگرایان مطرح شده و این مساله جدیدی نیست که بخواهیم آن را نقطه عطفی در برخورد با آقایان موسوی و کروبی بدانیم؛ چرا که تصمیم گیری در مورد بازداشت این آقایان در مراجع بالاتری انجام می شود. با این همه من تصور می کنم این بند از گزارش اهمیت استراتژیکی ندارد.

**به عنوان سوال آخر، فکر می کنید این گزارش چه عواقب و پیامدهایی می تواند با خود به همراه بیاورد؟**

همانطور که گفتیم این گزارش آغاز یک درگیری سیاسی میان طیف هایی از اصولگرایان خواهد بود. به نظر می رسد با توجه به تاکید علنی رهبر جمهوری اسلامی، مساله کهریزک و مرتضوی نقطه ای است که می خواهند بر سر آن کوتاه بیایند و احتمالاً قربانی بدهند؛ اما از سوی دیگر گویا احمدی نژاد و حامیان اش این مساله را بر نمی تابند و به همین دلیل در پی نجات مرتضوی هستند. در نهایت ادامه تعارض در میان اصولگرایان، در صورتی که دو طرف بر سر موضوعی که تاکنون در این باب اعلام کرده اند بماندند، از این پس وارد مرحله جدیدی خواهد شد. حال باید دید آیا احمدی نژاد سر نوشت خودش را به این پرونده گره خواهد زد یا نه؛ و از سوی دیگر آیا مدافعان طرح محاکمه مرتضوی و قربانی کردن او به مسیر خود ادامه می دهند یا خیر.

**منبع: روز آن لاین**

### اعلام خطر روزنامه جمهوری اسلامی:

#### زنگ خطر به صدا در آمده است

البته ما چه بخواهیم و چه نخواهیم چه ببندیم و چه ننبندیم زنگ خطر به صدا در آمده است. خطر زنگ می زند اما برای ورود اجازه نمی گیرد و منتظر باز شدن در هم نیمبند حتی از در بسته هم وارد می شود. با اینحال هنوز دیر نشده و فرصت مقابله با این خطر وجود دارد بشرط آنکه به هشدار آن پیر فرزانه توجه کنیم و توصیه هایش را بکار ببندیم. اولین توصیه اینست که هر کسی تلاش نکند خود را تیرنه نماید و طرف مقابل را مقصر جلوه دهد. دوم اینست که طرفین ببندند که اشتباه کرده اند. سوم آنکه برای تعیین میزان اشتباهات چانه زنی نکنند مهم این نیست که هر

طرف چه میزان اشتباه کرده بلکه پذیرفتن اصل اشتباه است. چهارم اینکه همه درصدد جبران این اشتباهات برآیند و اراده ای جدی برای این کار داشته باشند و پنجم اینکه همه حفظ نظام را اصل بدانند و برای تامین این هدف که اساس است هر جا که لازم باشد گذشت کنند. امروز دانستن صورت مساله بسیار مهم و حیاتی است. بدون آشنائی باصورت مساله و یا با پاک کردن آن نمی توان خطر را احساس کرد. هیچیک از دو طرف هم نباید ناامید باشند فقط با امید است که می توان برای حل مشکل اقدام کرد و موفق هم شد.

**اجمالی از صورت مساله فعلی اینست:**

۱- مردم در موقعیت ها و مناسبت های مختلف نشان داده اند که با اسلام انقلاب و نظام جمهوری اسلامی همراهند و برای حفظ استقلال ایران و پاسداری از اعتقادات خود آمادگی دارند هر هزینه ای را بپردازند. بدون آنکه وارد ماهیت حوادث ماه های اخیر شویم این واقعیت را همه با تمام وجود لمس کرده ایم که وقتی پای مقدسات و اساس و اصول به میان می آید همه مردم به صحنه می آیند و از هیچ تلاش و کوششی برای پاسداری از آنها دریغ نمی نمایند.

۲- همین مردم با اظهار نظرهایی که می کنند این واقعیت را هم نشان داده اند که از دعاها خسته شده اند و تحمل ادامه این کشمکش ها را ندارند. مردم ایران از اینکه برای حفاظت از استقلال کشور و پاسداری از دین و اعتقادات و مقدساتشان تا ابد در صحنه باشند هرگز احساس خستگی نمی کنند ولی از اینکه مشاهده کنند مسئولان و نجبگان و فعالان سیاسی کشور به جان همدیگر افتاده اند و امکانات کشور در این میان تلف می شود و دشمنان نیز شادی می کنند خسته می شوند و ادامه این وضعیت را تحمل نمی کنند.

۳- علاوه بر خسته شدن مردم احساس خطر هم می کنند. دعاها در هفته های اخیر بقدری بالا گرفته و تند و خشن شده که همه را نگران کرده است. به کف زدن ها و ابراز احساسات عده ای خاص نگاه نکنید توده مردم از اینکه اطراف دعا برای همدیگر خط و نشان می کشند و به همدیگر عناوینی همچون یزید و ابن زیاد و عمر سعد و شمر میدهند نگران می شوند و به همدیگر می گویند آیا قرار است در آینده شاهد جنگ داخلی و برادرکشی باشیم این نگرانی و احساس خطر را باید عقلای قوم جدی بگیرند و برای رفع آن چاره ای بیاندیشند.

۴- گستاخی هاو اهانت ها به مقدسات بسیار زیاد شده و تردید نباید کرد که این روند به نفع کشور و ملت نیست. هیچکس نباید از شعارهای گستاخانه ای که علیه مقدسات دینی و ملی و حاکمیتی داده می شود خرسند باشد. این سیل که به راه افتاده اگر متوقف نشود همه چیز را با خود می برد و گزینشی عمل نخواهد کرد. این گستاخی یکباره متولد نشده نتیجه عملکردهای ناصواب است. هر چه زودتر باید ریشه ها را شناخت و سوزاند تا جلوی این سیل بنیان کن گرفته شود.

۵- ادبیات خشتن آفرینی که اکنون بسیاری از زبان ها قلم ها و بلندگوها و متاسفانه بعضی از منبرهای نماز جمعه را در بر گرفته هیچوجه در شان نظام جمهوری اسلامی نیست. نظام جمهوری اسلامی یک نظام اخلاقی و فرهنگی است که باید با کارکرد مومنانه و متدینانه خود جامعه را به سوی اخلاق و احترام و ادب و متانت و اخوت و وحدت سوق دهد نه تهمت و بی حرمتی و تهدید و اختلاف و تفرقه. امروز ادبیات بعضی زبان ها و قلم ها و بلندگوها ادبیات خون است و چنین ادبیاتی از ساحت مقدس نظام جمهوری اسلامی دور است. اینکه از روی خشم و عصبانیت سخن از جویند خرخره طرف مقابل به میان بیاید و این و آن از منبر نماز جمعه مفسد فی الارض معرفی شوند و از فلان بلندگو فتوای قتل صادر گردد و تکفیر و تفسیق به نرخ شاه عباسی و سکه رایج جامعه تبدیل شود با کدامیک از موازین اسلامی سازگاری دارد آیا اسلام جدیدی درحال ظهور است که درباره آن تاکنون در هیچ کتابی چیزی نخوانده ایم.

۶- در کشور ما فرهنگ اعتراض جانی ندارد. نه اینکه فقط حقوق معترضین به رسمیت شناخته نمی شود بلکه

حتی خود معترضین هم قواعد اعتراض را رعایت نمی کنند. به جای آنکه در موقع مقتضی مواضع خود را با صراحت روشن کنند همواره حرف خود را تکرار می کنند و ساختار شکنان را محکوم نمی کنند. طرف مقابل هم تا زمانی که معترض مواضع و دیدگاه های خود را درباره مسائل مختلف روشن نکرده او را آمریکائی و انگلیسی و منافق و ضد نظام و مخالف امام حسین علیه السلام معرفی می کند و هنگامی که صریحاً علیه منافقین و آمریکا و انگلیس موضعگیری می کند و در بیانیه خود می نویسد «السلام علیک یا اباعبدالله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم» می گویند ببینید او ثابت کرده در اردوگاه عمر سعد است! تا زمانی که فر هنگ اعتراض در جامعه ما اینگونه بی حساب و کتاب است و طرفین به قواعد آن پای بندی نشان نمی دهند ما نمی توانیم شاهد شکوفائی آرمان های نظام اسلامی باشیم.

۷- رسانه ها و متولیان امور رسانه ای که باید فرهنگ ساز باشند و بستر حاکمیت عقل و قانون و تدبیر و تعهد را در جامعه فراهم کنند دچار مشکلات حد هستند. رسانه ملی کشور را خیابان یکطرفه ای می داند که هیچکس حق ندارد در جهت مقابل حرکت کند و متولیان مطبوعات وقتی آن بخش از بیانیه فلان شخص معترض که در حمایت از نظام و ابراز تنفر از آمریکا و انگلیس و منافقین است در یک روزنامه چاپ می شود به آن روزنامه که حاضر آنکه تیتر خبرش سبز بود تذکر می دهند! گوئی که این حضرات دستگاه «نیست خوان» دارند و می توانند کشف کنند که قسمت فنی روزنامه که به آن تیتر رنگ سبز داده هدفش سبز معاویه ای بوده یا سبز علوی!!

۸- سیاست حذف اکنون تا سرمایه های ملی دینی و سیاسی در بالاترین رتبه ها پیش رفته است. این تیغ تا کجا قرار است به بریدن ادامه دهد این چه تفکری است که حتی مرجع تقلید را نیز مشمول تیغ حذف می داند و به جای شنیدن سخنان او و به جای راه انداختن بحث علمی با او و نقد فتاوی او اعلام عدم صلاحیت را ترجیح می دهد ما با مواضع سیاسی و بعضی از فتاوی آیت الله صناعی موافق نیستیم اما سیاست برخورد را به نفع روحانیت و نظام جمهوری اسلامی نمی دانیم. اینکه فردی از رسانه ملی چنین بحثی را مطرح کند و آقای صناعی را با آقای شریعتمداری مقایسه کند و نتیجه بگیرد همانطور که اعلام عدم صلاحیت برای مرجعیت کار درستی بود اینجا هم درست است این یا ناشی از بی اطلاعی است و یا خود را به بی اطلاعی زدن. زیرا آقای شریعتمداری از دهه ۲۰ با دربار شاه مرتبط بود و بعد از پیروزی انقلاب غائله خلق مسلمان را به راه انداخت و در کودتای قطب زاده شرکت داشت و به این جرم های سنگین فاقد صلاحیت برای مرجعیت شناخته شد. چنین واقعه ای را با آنچه این روزها رخ داده مقایسه کردن آنهم از رسانه ملی یا مطبوعات رسمی و یا بلندگوی مجلس آیا حتی مادران تازه فرزند مرده را به خنده وادار نمی کند اگر به جای این اقدام غیرمدبرانه تلاش های وسیعی برای جذب و یا حل مشکلات از طریق نقد علمی صورت می گرفت فواید بسیاری عاید میشد بدون آنکه زبان های فعلی حاصل شود. میدانید حاصل کار آقایان چیست افزایش مقلدان آقای صناعی کما اینکه حاصل یکطرفه رفتن های رسانه ملی نیز بالا رفتن سرسام آور مشتریان تلویزیون های ماهواره ای و رادیوهای بیگانه بوده است و زهی تأسف از اینهمه بی تدبیری.

۹- یک جریان صاحب اقتدار در کشور اکنون فقط بر طبل جنگ می کوبد و هر اقدامی برای آشتی را محکوم و طرد می نماید. از ابتکارات این جریان اینست که همه را به جان همدیگر انداخته و حملات را متوجه اساس نظام ساخته و خود را دور از تیررس شعارها و حملات نگهداشته و همواره منتظر فرصت است تا از این آب گل آلود ماهی مقصود را بگیرد. به جرات می توان ادعا کرد که هدف این جریان از اینهمه هیزم ریختن به تنور داغ دعاها خدمت به نظام و دین خدا و پیغمبر و مردم



27. سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی- مشهد و کلات
28. حسن کامران دستجردی- اصفهان
29. محسن کوهکن- لنجان
30. اسماعیل کوثری- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
31. حسین گروسی- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
32. احمد لطفی- اراک و کمijan
33. بهمن محمدی- سلسله و دلفان
34. الیاس نادران- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
35. حسن نوروزی- رباط کریم
36. حسن ونایی- ملایر

### قاتلین چقدر رای دارند؟

این چند نمونه را درباره آراء برخی از این نمایندگان و نظر ایشان بخوانید.

خانم نیره اخوان بیطرف در مجلس ششم، ضمن مخالفت با حضور زنان در هیات رئیسه مجلس گفت: نمی شود ما برویم کنار مردان نامحرم بنشینیم و مدام چشمشمان به چشم آنها بیفتد. مردان باید جلو باشند و ما پشت آنها! ایشان با 122 هزار رای رفته است به مجلس.

حسن کامران دستجردی سر دسته اوباش و حمله کنندگان به مجالس و مراسم و از وابستگان حجتیه اصفهان از این شهر یک و نیم میلیونی با 162 رای به مجلس برده شده است.

الیاس نادران که به نیابت فرماندهان سپاه در مجلس سخن می گوید از تهران 10- 12 میلیونی با 324 هزار رای به مجلس برده شده است. حسین فدائی آشتیانی که در کنار قاضی مرتضوی از متهمین ردیف اول جنایات کهریزک است از تهران 10- 12 میلیونی با 274 هزار رای به مجلس برده شده است.

### هفت نفر امضایشان را پس گرفتند

پارلمان نیوز: یک عضو فراکسیون اصولگرایان با پس گرفتن امضای خود از طرف دوفوریتی کاهش زمان اعدام محارب به پنج روز از اقدام مشابه توسط هفت نفر از امضاء کنندگان این طرح خبر داد.

حسن ونایی در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری فراکسیون خط امام(ره) مجلس «پارلمان نیوز»، در توضیح دلیل پس گرفتن امضای خود از طرح دو فوریتی کاهش زمان اعدام محارب از بیست و پنج روز که طراح اصلی آن روح الله حسینیان، نماینده مستعفی حامی است، گفت: «بعد از سخنان حضرت آقا مبنی بر اینکه تنها قانون باید در برخورد با عوامل حوادث بعد از انتخابات ملاک عمل قرار گیرد، با توجه به اینکه قانون آئین نامه دادرسی کیفری وجود دارد و این قانون می بایست ملاک عمل قوه قضائیه قرار گیرد، بنده تصمیم گرفتم که امضای خود را از این طرح دوفوریتی پس بگیرم.»

نماینده ملایر در پاسخ به این سؤال که آیا شخص دیگری نیز امضای خود را پس گرفته است؟، اظهار داشت: «بله، تا جایی که بنده اطلاع دارم هفت نفر در نامه ای که به هیات رئیسه تقدیم شده است امضای خود را از این طرح دو فوریتی پس گرفته اند.»

وی اسامی این افراد را اعلام نکرد.



نژاد از گذشته های دور همکار و همراه بوده اند و اکنون منسجم ترین بیان او در مجلس اند. صلاحیت همه آنها را باند جنتی- یزدی در شورای نگهبان تأیید کرد و همگی با چراغ خاموش و هر کدام با چند ده هزار رای از تهران و شهرهای دیگر به مجلس برده شدند. مردم آنها را نمی شناختند و باتدازه امروز نیز با واقعیت نقش کودتایی شورای نگهبان و ماجرای تأیید صلاحیت ها آشنا نبودند. اگر شورای نگهبان از مهله که جنبش کنونی جان سالم بدر ببرد و تا انتخابات مجلس آینده ترکیب و نقش آن تغییر نکند، آنوقت این فراکسیون 36 نفره را احمد جنتی و محمد یزدی در مجلس نهم کامل خواهد کرد و شاید مجلسی یکدست از قاتلین و تیر خلاص زن های میادین اعدام، بازجوها و شکنجه گران و عاملین ترور تشکیل بدهند، تا مجلس کاملاً با دولت احمدی نژاد همسو شود.

این فراکسیون 36 نفره، در هفته گذشته یک لایحه را بصورت طرح فوری به مجلس داد که بموجب آن باید کسانی را که در خیابان و در جریان اعتراضات دستگیر می شوند بلافاصله و در عرض 5 روز محارب اعلام و سپس اعدام کرد. یعنی همان کاری را که در کهریزک انجام دادند؛ حالا در میادین اعدام انجام دهند. امثال "فدائی" و "راسائی" در مجلس هشتم که نقش آفرینان کهریزک بودند، در همین لیست فراکسیونی قرار دارند.

نام این نمایندگان را باید در حوزه های انتخاباتی آنها به میان مردم برد، تا هم در انتخابات آینده هیچ شانس نداشته باشند و هم تا رسیدن زمان آن انتخابات جرات نکنند به محلی که از آنجا و بنام مردم آنجا به مجلس برده شدند ظاهر شوند.

1. نیره اخوان بیطرف- اصفهان
2. محمد مهدی افشاری- داراب و زرین دشت
3. مرتضی آقا تهرانی- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
4. سید علی آقازاده افشاری- رشت
5. فاطمه آلیا- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
6. محمدرضا امیری کهنوج- مهنوج و منوجان
7. علی محمد بزرگوار- کهنکولویه
8. فرهاد بشیری- پاکدشت
9. محموداحمد بیغش- از شانزد اراک
10. موسی الرضا ثروتی- بجنورد و جاجرم
11. سیدمحمد جواد ابطی- خمینی شهر
12. روح الله حسینیان- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
13. سید محمود حسینی دولت آبادی- شاهین شهر، میمه و برخوار
14. محمد علی حیاتی- لامرد و مهر
15. حسین حسینی - نائین
16. ستار هدایت خواه- بویر احمد و دنا
17. تبریز، آذرشهر و اسکو
18. حمید رسایی - تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
19. علی اصغر زارعی - تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر
20. علیرضا سلیمی- محلات و دلیجان
21. اهواز
22. سیدعلی طاهری- گرگان و آق قلا
23. عزیزاده-
24. موسی غضنفر آبادی- شهرستان بم
25. محمد حسین فرهنگی- تبریز، آذرشهر و اسکو
26. حسین فدایی آشتیانی- تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر

نیست. حرف های دیگر درباره این جریان بماند برای بعد...

۱۰- امروز آتش اختلاف به خانه ها راه یافته و دشمنی های سنگینی میان پدران و فرزندان مادران و دختران و برادران و خواهران پدید آورده است. این اختلاف حتی به درون جبهه اصولگرایان نیز نفوذ کرده و همان جریان افراطی هر سخن خردمندانه ای را اگر چه از درون همین جبهه و از افراد شناخته شده در جهت وحدت و حل مشکل صادر شود محکوم می نماید و خود او را به انواع تهمت ها متهم و به شکل های مختلف تخریب می کند. این یعنی خطر!

اکنون با ترسیم صورتی اجمالی از مساله روز جامعه میخوانیم بر این واقعیت تأکید نمایم که علیرغم این وضعیت بغرنج و پیچیده معتقدیم راه باز است. درست در همین شرایط دشوار است که باید عقلائی قوم وارد صحنه شوند و با سرپنجه تدبیر مشکل را حل کنند.

حل این مشکل به مشخص کردن محور نیاز دارد. محور باید ولایت فقیه باشد همان که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تکیه دارد. ما معتقدیم رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای محور وحدت هستند و همه باید زیر چتر ولایت فقیه با تدبیر و درایت عمل کنند و به حل مشکل بپردازند. ما معتقدیم باید همه بزرگان و نخبگان و حتی سران مترضان پشت سر رهبری قرار بگیرند و برای پایان دادن به وضعیت کنونی تلاش کنند. این کاری است قابل انجام که فقط به مقداری شجاعت تدبیر و از خودگذشتگی نیاز دارد. ولایت فقیه ستون فقرات نظام جمهوری اسلامی است و امروز دشمنان ملت ایران برای درهم شکستن این نظام و ستون فقرات آن بسیج شده اند. غفلت عقلائی قوم در این برهه حساس تاریخ بشدت زیان بار است زبانی که هرگز قابل جبران نخواهد بود. خشونت و برخورد و حذف نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه اوضاع را پیچیده تر خواهد کرد. راه حل فقط تدبیر است و این راه باز است.

## ۲۷ دیپلمات جمهوری اسلامی

### پناهنده شدند

علی اکبر امیدمهر، دیپلمات سابق جمهوری اسلامی که به عنوان سفیر در کشورهای هند، پاکستان و افغانستان خدمت کرده است در مصاحبه ای با صدای امریکا اعلام کرد که علاوه بر دیپلمات جمهوری اسلامی در نروژ، عده زیاد دیگری از دیپلمات های ایرانی در کشورهای مختلف نیز طی چند ماه گذشته با ترک محل خدمت به کشورهای محل کار خود پناهنده شده اند.

این پنج نفر علاوه بر محمد رضا حیدری، کنسول ایران در نروژ، شامل دو دیپلمات ایرانی در آلمان، یک دیپلمات در فرانسه و یک دیپلمات در انگلستان میباشند که به همراه خانواده های خود تقاضای پناهندگی کرده اند.

امیدمهر توضیح میدهد که دلیل اینکه پناهندگی این افراد هنوز در مطبوعات منعکس نگردیده ممنوعیت قانونی مربوط به انتشار اطلاعات پناهندگان است.

## فراکسیون ۷-۳۶ نفره قاتلین در

### مجلس هشتم

در مجلس هشتم یک فراکسیون قاتلین وجود دارد که اعضای 36 نفره آن، یا در گذشته باجو و شکنجه گر بوده اند، یا مامور اجرای ترورهای که فتوای آنها را امثال احمد جنتی، مصباح یزدی و آیت الله خوش وقت و حتی روح الله حسینیان صادر می کردند و یا در جریان انتخابات 22 خرداد در کودتای انتخاباتی دست داشتند. آنها با احمدی



## راههای سبز

ایران دارد اتفاق می افتد بسیار دردناک است و مردم ایران متأسفانه دارند سیاهترین دوران تاریخ این کشور را تجربه می کنند. هر کاری و عملی که بشود با آن صدای مردم را به گوش افکار بین المللی رساند مهم است. چرا که به هیچ وجه این حکومت غیر انسانی نباید فکر کند که دور ایران را خط کشیده است و هر کاری که دلش بخواهد می تواند بکند بدون اینکه مردم جهان و جهانیان اعتراضی بکنند. و این مسئله تا پایان این رژیم ادامه خواهد داشت.

### آقای دقتی، شما چه برنامه های دیگری در همین رابطه برای آینده دارید؟

از جمله کارهای که من در گذشته انجام دادم پخش عکس ندا آقاسلطان در سطح وسیعی در تجمعات دو شهر پاریس و نیویورک بود. در این تجمعات چند صد نفر ایرانی در مقابل جاهای مهم این دو شهر جمع شدند. یکی در مقابل برج ایفل در پاریس که پانصد نفر تجمع کردند و تمام آنها تصویر ندا را داشتند که جلوی صورتشان این عکس پخش می شد و شعار «ما همه یک صدانیم. ما همه یک نداییم» سر داده شده بود. تصمیم دارم این برنامه را در شهرهای مختلف دنیا هم برنامه ریزی کنم.

منبع: رادیو فردا

## ورشکستگی تولیدکنندگان

### پوشاک ایرانی

**بحران سیاسی، رکود اقتصادی، واردات بی رویه و عدم حمایت دولت از دلایل این ورشکستگی هستند.**

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک تهران گفت: ایام محرم و صفر بر رکود یکسال گذشته بازار پوشاک دامن زد و باعث کاهش قیمت 10 درصدی منسوجات و افزایش حجم عرضه بدون تقاضا در این بازار شده است.

به گزارش ایلنا، ابوالقاسم شیرازی به تشریح دلایل رکود در بازار پوشاک به خصوص طی چند ماه گذشته پرداخت و افزود: مسائل سیاسی و تشنجاتی که طی چند ماه گذشته به وقوع پیوست، موجب کاهش بیش از پیش تقاضای در بازار پوشاک شد.

وی با اشاره به این که تغییرات جوی نیز بر بازار پوشاک تأثیر گذار است، گفت: تغییرات ناپهنگام جوی باعث شده تا طی این مدت بازار زمستانی پوشاک با کساد مواجه شود. شیرازی از ورشکستگی تولیدکنندگان طی یکسال گذشته خبر داد و گفت: طی سال جاری اغلب تولیدکنندگان پوشاک به دلیل رکود و عدم حمایت دولت سرمایه خود را از دست داده و اغلب دچار ورشکستگی و یا در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

وی تصریح کرد: در حال حاضر شرکت های تولیدی محدودی همچون هاکیپیان، آرین جین که از تسهیلات بانکی سود می برند مشغول به فعالیت هستند و بسیاری از شرکت های تولیدی که 90 درصد سرمایه خود را از دست داده اند حتی توان واردات پوشاک را نیز ندارند.

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان تهران بیان داشت: قیمت ها در بازار پوشاک نسبت به گذشته چندان رو به رشد نبوده و حتی در حال حاضر تا حدود 10 درصد کاهش یافته است. رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک تهران گفت: هم اکنون بسیاری از فروشندگان به دلیل رکود بی سابقه در بازار، با نصب تیکت تحت عنوان فروش فوق العاده در تلاش هستند که پوشاک خود را با حداقل قیمت به فروش برسانند.

شیرازی در خصوص واردات بیان داشت: 60 درصد واردات پوشاک به صورت قاچاق وارد می شود و همین امر موجب شده است تا تولید پوشاک در کشور با معضلات فراوانی روبرو شود. وی افزایش هزینه ها، دستمزد کارگران و رکود حاکم بر اقتصاد کلان را از دلایل ناتوانی تولیدکنندگان ذکر کرد.

آخرین جایزه های که به این عکاس معروف رسیده جایزه مهم و مشهور «لوسی» است که طی مراسمی در تالار نتاتر مرکزی لینکلن، در شهر نیویورک به رضا دقتی هدیه شد. این جایزه، جایزه ای است سالانه که در بخش های مختلف به عکاسان تعلق می گیرد. رضا دقتی زمان دریافت جایزه اش، خطاب به حاضران گفت که جایزه اش را تقدیم به هزاران ایرانی می کند که با تفلن های همراه خود تصاویر رخدادهای ایران را همچون سند و مدرکی ثبت کردند. آقای دقتی در ادامه به ویژه از «زن جوانی» یاد کرد که «در راه آزادی و عدالت گام برداشت» و جایزه خود را تقدیم به «ندا [آقا سلطان]» کرد.

اما در کنار جایزه معتبری که به رضا دقتی رسیده است، وی در کنار گروه دیگری از چهره های مشهور ایرانی ساکن خارج از کشور در «اعتصابی نمادین» برای «آزادی و دموکراسی» و در «همدردی با قربانیان تظاهرات عاشورای ۱۳۸۸» شرکت کرده است. این اعتصاب پس از سرکوبی خونین معترضان در روز عاشورا در کشورهای مختلف جهان آغاز شده است. این اعتصاب نمادین در روز جمعه گذشته رخ داد. در ویلاگ ویژه این اعتصاب از قول رضا دقتی می خوانیم: «روز جمعه سر کارم حاضر نخواهم شد اما این روز را به ارسال اطلاعات و اخبار از ایران به رسانه ها اختصاص می دهم...»

**رضا دقتی** در مورد اعتصاب نمادین ایرانیان خارج از کشور به رادیو فردا می گوید: در کل اعتصاب به معنای جلب توجه دیگران است و علت این کار که به اعتقاد من بسیار پدیده جالبی است، مخصوصاً در موردی که آقای (حمید) اکبری، استاد دانشگاه شیکاگو به راه انداخته، این است که بتوانیم توجه مردم را در شرایط مختلف به این فاجعه وحشتناکی که هم اکنون در ایران اتفاق می افتد جلب کنیم.

البته این به معنای این نیست که ما در روزهای دیگر هم این کار را نکنیم. الان بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور هستند که روزانه چند ساعت از وقتشان را برای این امر اختصاص می دهند که بتوانند صدای هموطنانشان را که در دام افتاده اند در این زندان بزرگی که نامش ایران است به گوش مردم جهان برسانند.

من هم به غیر از کار روزانه ای که همیشه می کنم خواستم که امروز هم به طور نمادین در این مسئله شریک باشم.

**برای محل کارتان توضیح داده اید که به چه دلیل اعتصاب می کنید؟ واکنش آنها چه بوده است. آیا موافقت می شود که مثلاً شما به عنوان کسی که در دانشگاه کار می کنید نخواهید سر کلاس حاضر شوید و تدریس کنید؟**

صد در صد. مخصوصاً اعتصاب امری است که در فرانسه به عنوان حق و حقوق مسلم همه شناخته شده است. بسیاری از مسائل کشور فرانسه برای رسیدن به این حد از دموکراسی که الان وجود دارد، از طریق همین اعتصابات بوده است. بنابراین بسیار مورد قبول همه بوده و هست و هیچ مشکلی هم برای این مسئله نداشته ایم.

**شما اطلاع دارید که چه تعداد افرادی روز جمعه دست به این اقدام نمادین زده اند؟ و این افراد از چه کشورهایی هستند؟**

تعدادی که به آقای اکبری جواب مثبت داده بودند و اسامی آنها در نامه ایشان و در وبلاگشان وجود دارد (وبلاگ اعتصاب / رادیو فردا مسئول محتوای رسانه های اینترنتی دیگر نیست) تا جایی که من خبر دارم چند صد نفر بوده اند. تا که به حال با ایشان تماس گرفته اند و استقبال کرده اند. اما به نظر من مسئله تعداد مهم نیست. حتی اگر یک نفر هم این کار را به عنوان یک حرکت سمبلیک انجام دهد، همین سر و صدایی که ایجاد خواهد کرد مهم است.

**شما فکر می کنید واقعا این حرکت می تواند در رساندن صدای معترضان به جامعه بین المللی موثر باشد؟ در شرایط امروز نظر به اینکه فاجعه ای که امروز در**

## تقدیم جایزه عکاسی بزرگ جهان

### به مردم ایران و ندا



رضا دقتی، «لسی»، جایزه مهم و معتبر عکاسی را دریافت کرد، دقتی جایزه خود را به مردم ایران و ندا آقاسلطان تقدیم کرد.

رضا دقتی، عکاس و خبرنگار بین المللی ایرانی طی مراسم باشکوهی در تالار نتاتر مرکزی لینکلن، در شهر نیویورک جایزه ی مهم و معتبر «لسی» را دریافت کرد.

این جایزه همه ساله در بخش های مختلف عکاسی به بزرگترین عکاسان جهان تعلق می گیرد. داگلاس کیرکلند که در سال ۲۰۰۳ میهمان افتخاری این مراسم بود، در مورد اهمیت این جایزه چنین گفت:

همانطور که صنعت سینما جایزه ی اسکار دارد، جامعه ی عکاسی «لسی» را دارد.

رضا دقتی در زمان دریافت این جایزه چنین گفت: جایزه ها و پاداش ها هر چند چیز کوچکی هستند اما به معنای قدردانی از زحمات است و این قدردانی گرانبهاست. در کلمه «لسی» لغت لاتین نور نهفته است، نوری که شریک بی همتای عکاس است تا به کمک آن قادر به ثبت لحظه ها شود. در این لحظه، در حضور شما که به جرات می توانم بگویم یکی از بزرگترین و مهمترین گروه دنیای عکاسی هستید، هنگامی که این جایزه را در دست گرفتم بلافاصله ذهنم متوجه همه دوستان و همکارانم شد. خصوصاً کسانی که زندگیشان را نه تنها وقف بلکه قربانی میکنند تا شاهد وقایع مهم دنیای ما باشند.

حضار گرامی؛

ما صدای کسانی هستیم که بی صدایند، ما اینجا هستیم تا جهان چشمانش را به روی دردها و جنگ ها ببیند. من این جایزه را به کسانی تقدیم می کنم که در نبرد برای جهانی بهتر حتی از ادا کردن جان خود نیز دریغ نکردند. همچنین این جایزه را به شهروندان ایرانی تقدیم می کنم، مبارزین بی نام و نشان راه آزادی که توانستند از طریق تلفنهای همراهشان تصاویری را به عنوان سند و مدرک ثبت کنند. با احترام ویژه به یک صدا که در ایران خاموش شد، چرا که تصمیم گرفته بود در راه آزادی و عدالت قدم بردارد. زن جوانی که تصویر مرگش تمامی صفحه ها را تسخیر کرد، او نامش ندا بود، تقدیم به ندا!

### گفت و گو بارضا دقتی:

## رساندن صدای مردم ایران به جهان



رضا دقتی، عکاس ایرانی ساکن فرانسه، یکی از مشهورترین عکاسان ایرانی است که تا کنون برنده جوایز مختلفی شده و برخی از عکس های او از انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق بارها و بارها در معتبرترین نشریات جهانی منتشر شده است.



### ایران و جهان

#### کلینتون اعلام کرد:

#### تحریم رهبران و سپاه

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، هشدار داده است که تحریم های آتی علیه ایران، گروه کوچکی از مقام های ارشد جمهوری اسلامی را هدف قرار خواهد داد. هیلاری کلینتون همچنین گفت که نمایندگان کشورهای عضو گروه 5+1 به احتمال زیاد در پایان این هفته در نیویورک برای مذاکره درباره مناقشه اتمی ایران و بررسی تحریم های احتمالی دیدار خواهند کرد.

او دوشنبه (11 ژانویه) در حالی که برای دیدار با همتای ژاپنی خود به ایالت هاوایی آمریکا سفر می کرد به خبرنگاران گفت: "روشن است که گروه نسبتاً کوچکی در ایران تصمیم گیرنده هستند. آن ها روابط سیاسی و تجاری با هم دارند و اگر ما بتوانیم مسیر تحریمی هایی بوجود آوریم که افرادی که در واقع تصمیم گیرنده هستند را هدف قرار دهد، این راه هوشمندتری برای تحریم ها خواهد بود."

وزیر امور خارجه آمریکا هفته گذشته نیز گفته بود که آمریکا قصد دارد در صورت بی نتیجه بودن مذاکرات، بر تشدید تحریم ها علیه دولت و سپاه پاسداران تمرکز کند. او روز دوشنبه (4 ژانویه) در واشنگتن پایتخت آمریکا به خبرنگاران گفت: "هدف ما تحت فشار قرار دادن دولت ایران به ویژه عوامل سپاه پاسداران است، بدون آنکه به رنج مردم عادی بیافزاییم."

ایران تحریم های بین المللی و نیز تحریم های یک جانبه آمریکا را غیرقانونی می داند و می گوید که این مجازات ها تاثیری بر خط مشی سیاسی یا اتمی این کشور ندارد. وزیر امور خارجه آمریکا تاکید دارد که راه مذاکره هنوز به روی ایران باز است.

هیلاری کلینتون همچنین گفت که هنوز تصمیم نهایی درباره تشدید تحریم ها علیه ایران گرفته نشده است. در همین رابطه پی جی کراولی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، روز دوشنبه گفت که جزئیات نشست آتی 5+1 توسط اتحادیه اروپا اعلام خواهد شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا همین طور گفت که بیل برنز، معاون امور سیاسی وزارت امور خارجه ایالات متحده چهارشنبه و پنج شنبه این هفته در مسکو خواهد بود تا با مقام های روس درباره چندین موضوع از جمله برنامه اتمی ایران گفتگو کند.

بیل برنز پیشتر سفیر آمریکا در روسیه بود. وزارت امور خارجه آمریکا همین طور گفت که آقای برنز روز جمعه (15 ژانویه) با همتایان اروپایی خود در مادرید اسپانیا دیدار می کند و مناقشه اتمی ایران یکی از موضوع های مورد بحث طرفین خواهد بود. او تاکید کرد که نشست مادرید فقط درباره ایران برگزار نمی شود.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت هنوز تحول تازه ای در مذاکرات اتمی گروه 5+1 با ایران رخ نداده است.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا هشدار داده است که در صورت بی نتیجه بودن مذاکرات اتمی برای تشدید تحریم های بین المللی علیه ایران اقدام خواهد کرد. چین که یکی از کشورهای گروه 5+1 است، این ماه ریاست دوره ای شورای امنیت را برعهده دارد. نماینده چین در سازمان ملل متحد سه شنبه (5 ژانویه) گفت که شورای امنیت در ماه ژانویه موضوع گسترش تحریم ها علیه ایران را مورد بحث و بررسی قرار نخواهد داد.

### ای-بی-سی: نفس رژیم ایران

#### به شماره افتاده

سناتورهای آمریکا که به خاورمیانه سفر کرده اند، روز شنبه گفتند اعتراض مخالفان در ایران از آغاز سقوط رژیم دینی در تهران حکایت می کند.

جان مک کین سناتور جمهوری خواه از آریزونا گفت، نفس های دولت اسلامی به شماره افتاده است.

مک کین در اورشلیم و دو مصاحبه با برنامه «کشور متحد» از شبکه سی ان ان آمریکا هشدار داد: «اینکه دولت ایران تصمیم بگیرد اذهان مردم را از مسائل داخلی به تشدید رویارویی با اسرائیل منحرف کند»، می تواند خطرناک باشد.

اسرائیل دولت ایران را به دلیل برنامه هسته ای، توسعه موشک های دور برد و پافشاری بر مواضع محمود احمدی نژاد مبنی بر لزوم نابودی دولت اسرائیل، یک تهدید جدی برای خود محسوب می کند.

اسرائیل نیز مانند ایالات متحده، ادعاهای ایران مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای آن کشور را نمی پذیرد و اصرار دارد تهران در پی کسب تسلیحات هسته ای است. جو لیبیرمن سناتور مستقل از ایالت کنکتیکات نیز موافق این نظر است که اعتراضات در ایران می تواند «آغاز

سقوط یک رژیم سرکوبگر تندرو در تهران را رقم بزند.» لیبیرمن افزود: «من فکر می کنم باید هر آنچه از دستمان بر می آید را انجام بدهیم، نه اینکه فقط به دلیل توسعه تسلیحات هسته ای ایران را تحریم کنیم، بلکه باید از مردم ایران حمایت کنیم و در برابر سوء استفاده از حقوق بشر در آن کشور و سرکوب و وحشتناک تظاهرکنندگان و درخواست آزادی شهروندان معمولی در ایران صریحاً سخن بگوئیم.»

از زمان انتخابات بحث انگیز ریاست جمهوری در خردادماه گذشته، موجی از اعتراضات ایران را دربر گرفت که با سرکوب خشونت بار از سوی مقامات دنبال شده است. مخالفان ایران می گویند احمدی نژاد به کمک تقلب برنده انتخابات شده است.

لیبیرمن در یک کنفرانس خبری در اورشلیم درباره لایحه ای سخن گفت که اکنون در سنای آمریکا تحت بررسی است و به باراک اوباما اجازه می دهد علیه ایران تحریم های نظیر محدودیت واردات بنزین را اعمال کند.

وی گفت: «امیدوارم وقتی هفته بعد به کشور برگردیم، این لایحه در سنا مطرح شود.» مک کین که در همان کنفرانس مطبوعاتی سخن می گفت، درخواست کرد جلوی ایران در محدود کردن دسترسی به اینترنت گرفته شود. وی گفت: «این به معنای مداخله نظامی نیست، اما به این معناست که هر روز از مردم ایران و تلاش آنها برای کسب آزادی و دموکراسی سخن بگوئیم.»

مخالفان ایران برای سازماندهی تظاهرات، گزارش بازداشت ها و ابراز دیدگاه های رهبران خود تا حد زیادی به اینترنت وابسته اند؛ این درحالی است که مقامات به دفعات تلاش کرده اند جلوی دسترسی کاربران به برخی وب سایت ها را بگیرند.



### ایندیپندنت:

#### قتل معترضان زیر چکمه ماموران

بیش از 145 نفر بعد از دستگیری در جریان تظاهرات در مخالفت با نتیجه انتخابات ماه ژوئن در سلول های 70 متری نگهداری می شوند که طبق گزارش ها سه نفر از این افراد کشته شده اند.

در یک گزارش کم نظیر انتقادی کمیته تقصص وقایع بعد از انتخابات اعلام کرد که دادستان وقت تهران، سعید مرتضوی، به دلیل کمبود جا، دستور انتقال این افراد را به بازداشتگاه کهریزک داده بود.

طبق این گزارش درباره کهریزک که در مجلس خوانده و در رسانه ها مطرح شد، جایی که معترضان دستگیر شده در آن نگاه داری شده بودند، فضای تنفسی نداشت و شرایط بهداشتی ناگوار بود و برخلاف ادعای مرتضوی سه جوانی که کشته شدند، مرگشان در اثر شکنجه بود نه مننژیت.

در گزارش مجلس آمده «کشته شدن این سه نفر مرتبط با فضای محدود، کمبود بهداشت و تغذیه نامناسب، گرما، کمبود تهویه هوا و همچنین در نتیجه حملات فیزیکی بوده است».

زندان کهریزک، در ماه ژوئیه بعد از کشته شدن دستکم سه نفر در آن که در جریان اعتراض به نتایج انتخابات دستگیر شده بودند، به دستور رهبر ایران، آیت الله علی خامنه ای بسته شد.

رسانه های ایران نوشتند وزارت دادگستری سه مقام کهریزک را به اتهام قتل سه معترض اصلاح طلب به نتایج انتخابات 12 ژوئن را بازداشت کرده اند. اما در گزارش مجلس هیچ اشاره ای به تجاوز در زندان کهریزک نشده و حتی آمده «کمیته تحقیق هیچ نشانه ای از تجاوز جنسی به زندانیان، بدست نیابوده است و این موضوع را قویاً تکذیب می کند».

کمیته تقصص مجلس را شش نفر از نمایندگان مجلس تشکیل می دهند که از هر دو جناح محافظه کار و میانه رو هستند.

خبرگزاری مهر با اشاره به گزارش کمیته تقصص اعلام کرد که مرتضوی دستور انتقال 147 بازداشتی را از زندان اوین به کهریزک داده است. طبق این گزارش، مقامات کهریزک به دلیل کمبود جا ابتدا از قبول بازداشت شدگان سر باز می زدند اما در نهایت با اصرار مرتضوی مجبور به پذیرش 147 نفر بازداشتی در فضای 70 متر مربعی شدند.

این زندانیان را به مدت 4 روز در چنین فضایی بدون جایی کافی، غذای مناسب و شرایط بهداشتی بد و تنبیه بدنی سخت، نگهداری کردند.

مرتضوی، یک قاضی تندرو است که نقش اساسی در دادگاه های سران اصلاح طلب داشت، وی اواخر ماه اوت از سمت دادستان برکنار شد و به سمت معاون دادستان کل کشور، برگزیده شد.

مرتضوی احکام زیادی علیه ده ها شخصیت اصلاح طلب صادر کرده و آنها را به جرم براندازی نظام اسلامی، به زندان انداخته. اصلاح طلبان از او انتقاد می کنند که در طول شش سالی که در سمت دادستان تهران بود، هر نوع انتقادی را علیه دولت را سرکوب کرد.

علالدین بروجردي، رئیس بخش سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس، گفت که کمیته تقصص مجلس، با این گزارش نقض نظارتی خود را ایفا کرد و حالا این نوبت قوه قضائیه است که تصمیم مناسب بگیرد.

انتخابات ماه ژوئن که باعث شد محموداحمدی نژاد بار دیگر انتخاب بشود، باعث شد تا ایران شاهد بزرگترین ناآرامی ها از بعد از انقلاب سال 1979 بود. مقامات ایران هرگونه تقلب در انتخابات را تکذیب می کند.

هزاران نفر که علیه نتایج انتخابات تظاهرات کرده بودند، دستگیر شدند و در زندان شکنجه شدند. بسیاری از آنان آزاد شدند و بیش از 80 نفرشان، متهم به 15 سال زندان شدند.



## نگاه سبز

### بیچاره مرتضوی!

#### نوشابه امیری

بالاخره یکی از چند کمیته "ویژه" مجلس، تخم دو زرده گذاشت و "متمم اول" زندانی "غیراستاندارد" را معرفی کرد. تازه حالا اگر قوه قضاییه - که می رود تا آخرین راه های تنفسی اش هم زیر پای ستاره داران جناح کودتا بسته شود - التفاتی به این گزارش بکند و پرونده را نیندوید یک "ریش تراش دزد". اما فرض کنیم چنین نشود؛ گیریم در اثر منازعات درون جناحی، سعید مرتضوی را هم بگیرند و ببینند و بعد سرو صدای داستانش را بخوابانند؛ یا با داروی نطفات یا با گلوله هایی که به اسم منافقین شلیک می کنند؛ سنوآل اصلی اما اینجاست: مرتضوی که "ضابط" است؛ "متمم اصلی" کیست؟

مرتضوی، دیگر بیچاره است. دوره اش سپری شده، مثل لاجوردی، مثل سعید امامی، مثل همه دیگر چاقوهایی که روزگاری باید کشیده می شدند و حالا زمان غلاف کردن شان رسیده. لازم باشد از همسر او هم همان ها خواهند پرسید که روزگاری از همسر سعید امامی... اما این پرونده ها با غلاف کردن این چاقوهای تیز، این مامورانی که سر می برند به جای بردن آدم ها، بسته نمی شود.

با متمم "اول" معرفی کردن ماموری که تا دیروز "مدیر نمونه" و "تتجاهان حزب اللهی" بوده که "وظیفه اش را خوب انجام می داده..." پرونده آمرانی که گاه قربانی کردن، از پدران خویش نیز نمی گذرند، بسته نمی شود. این پرونده را روزگاری - که دیر نیست - کمیته ویژه ملت بازگشایی خواهد کرد؛ آن روز کسی نخواهد گفت: "شاه خوب بود؛ اطرافش بد بودند."

فروشگاه های فروش اسلحه را دیده اید؟ هفت تیر کش می رود، بسته به نوع هدف، انتخاب می کند. یکی برای کشتن یک پرنده، یکی برای درو کردن مردمان یک شهر. یکی می خواهد فقط زخمی کند، یکی می خواهد بکشد، یکی می خواهد گلوله اش چنان باشد که در تن قربانی بچرخد و بدرود... فرق می کنند اینها؛ تفاوت دارند هفت تیرکش ها. سعید مرتضوی البته، بهترین اسلحه هفت تیرکشانی بود که می خواستند - می خواهند هنوز - فشنگ شان در تن ملت ایران، بچرخد و ببرد و هراس بیافریند.

همان اسلحه فروشان و هفت تیرکشانی که در آمدن چشم دانشجویی، اشک تمساح ریختند و در خلوت، بر مرتبت مرتضوی افزودند. همان ها که روزنامه های میهن مارا به مرتضوی سپردند تا "چشم فتنه" را کور، "پایگاه تهاجم فرهنگی" را زیر و رو و "ماموران ناتوی فرهنگی" را ممنوع القلم و ممنوع التصوير و ممنوع الحیات کند. نام این متمم در کجای این گزارش هاست؟

آقا! آقایان! اما شاهد داریم. نوار گفته های شما هست؛ عملکردتان ثبت است؛ اسامی مجرمینی که از زندان ها به در کشیده و به مقامات شان گمارده اید، همه جا هست. ما شاهد داریم که در کهریزک و کهریزک ها، در همین عشرت آباد که کهریزک دیگرش کرده اید، در همین 209 و 350 و... که دست می شکنید و قفسه سینه، در زیر زمین وزارت کشور، در اداره منکرات، با جوانان این مرز و بوم چه کرده اید. ما هنوز صدای جوانانی را داریم که گفته اند: رادان که می آمد از همه خشن تر بود؛ نقدی روی همه را سفید کرده بود؛ ...

آقا! آقایان! اما شاهد داریم که در حالیکه در طول چند ماه گذشته، حتی در کلام، یک بار به مادران عزان نگفته اید "در سوگ تان شریکیم" به هزار زبان حرکت مسالمت آمیز فرزندان این مادران را "فته" خوانده اید؛ گفته هایتان ثبت است که چاقوی بسیج بالا برده اید و کفن پوشانده اید بر مزدبگیران تان. ما گوش مان پر شده است از "محارب، محارب" گفتن محارم هایتان. ما شنیده ایم؛ دیده ایم. کجای کارید شما!

آری؛ مرتضوی، بیچاره شد. بیچاره تر هم می شود. ماقلندیم و بیدارمانی شب ها را تجربه کرده ایم؛ مرتضوی های دیگر نیز باید بدانند که سرنوشتی مشابه پیش رو دارند. دیر نیست که یکی بگوید "حسین شریعتمداری" ایران را به آشوب کشید؛ دیر نیست آن دم که بازجویانی که شبانه روز در کار اعتراف گیری اند تا جوبه های دار مورد نظر اسلحه فروشان و هفت تیرکشان را برپادارند، دچار "سوانح" منجر به مرگ شوند. سقف هر خانه ای می تواند بریزد؛ هر مرگی می تواند شب هنگام شتری شود برای خوابیدن پشت در خانه همه مرتضوی ها... اما متمم اول پرونده این جنایات، مرتضوی و لاجوردی و حداد و صلواتی و... نیستند. متمم اول - متممین اول - مارا البته نگیرند و دل خوش ندارند که این پرونده - این پرونده ها - با حذف کوچک مردان پلیدی چون مرتضوی، بسته می شود. این تازه آغاز بازگشایی پرونده هاست. متمم اول - متممین اول - هم این را می دانند؛ که اگر نمی دانستند، نیازشان به "بیعت" گرفتن های روزه مره نبود.

### جنبش سبز؛ روز شمار یک شکست

#### مزدک بامدادان

حتا اگر تا به امروز جای کوچکترین گمانه های هم می بود، رخدادهای عاشورا به خوشبینترین کنشگران جنبش آزادیخواهی در ایران نیز نشان دادند که کودتاگران همه مرزها را نادیده خواهند گرفت و همچنان در شیپور خشونت و کشتار خواهند دمید. برخورد آنان با بیابنه میر حسین موسوی، که به گمان من نه تنها آشتی جویانه بود، که بخش بزرگی از خواسته های کارورزان و اندیشورزان جنبش سبز را هم برای رسیدن به این آشتی نادیده گرفته بود، نشانگر منش و نگر کودتاگران است؛ بکار بردن زور، در هم کوفتن هر گونه ایستادگی و بستن گوش بر هر صدای ناهمواری، بخشهای جدائی ناپذیر سرشت یک کودتایند.

آنچه که در بیست و دوم خرداد امسال رخ داد، از همان آغاز نام کودتا بر خود گرفت. آیا گزینش دوباره احمدی نژاد از سوی خامنه ای یک "کودتا" بود؟ کودتا واژه ای فرانسوی در معنی "سرکوفتن حکومت" است. دانشنامه بروکهاوس سخن از خیزش یک گروه کوچک ولی نیرومند اجتماعی (در نزدیک به همه کودتاها ارتش) می راند، که با زیرپا گذاشتن قانون اساسی قدرت سیاسی را بدست می گیرد و کارهای کشور را بدست فرماندهان ارتش می سپارد و حق شهروندی مردم را از ایشان بازمی ستاند. آنچه که در روز بیست و دوم خرداد ماه امسال رخ داد، همه ویژگیهای یک کودتا را در خود داشت. گروه کوچکی (حجتیه و مدرسه حقانی) با پشتیبانی نیروهای سپاه پاسداران که فرماندهانش پیشتر رخت رزم از تن بدرآورده و جامعه سیاست برتن کرده بودند (از ضرغامی در صدا و سیما گرفته تا گروه بزرگی از نمایندگان مجلس و شرکتهای بازرگانی و صنعتی و سردبیران روزنامه های هوادار دولت)، همان قانون اساسی مردم ستیز جمهوری اسلامی را هم بزیر پای گذاشت و با نادیده گرفتن رای مردم نماینده دست نشانده خود را به کاخ رئیس جمهوری فرستاد. دستگیری گسترده کسانی که از نگر کودتاگران "سران" دولتی بشمار می آمدند که باید در پی رای مردم برپا می شد، همان کاری بود که در نمونه های شناخته شده کودتاهای کلاسیک انجام می گیرد. به دیگر سخن در کودتای بیست و دوم خرداد ماه دولت برگزیده مردم پیش از آنکه سررشته کارها را بدست بگیرد سرنگون شد. همانگونه که در نوشتار "کودتاگران چه می خواهند" آورده بودم، این کودتا پی آمد ناگزیر روندی بود که در دولت هشت ساله خاتمی آغاز شده بود و در سال هشتاد و چهار و با پیروزی احمدی نژاد در برابر

رفسنجانی و کروی بخش نخست خود را با پیروزی پشت سر گذاشته بود. روز بیست و دوم خرداد ماه دولتی که مصباح زیدی و مدرسه حقانی و حجتیه برپا شدند آنرا برنمیآفتند، "سرکوب" شد. اگرچه کودتاگران خود را پیروز میدان می دیدند، کودتا در همان گام نخست پای در سنگلاخ شکست گذاشته بود.

امروزه پس از گذشت بیش از شش ماه از آغاز جنبش می توان همه نشانه های این شکست را به چشم دید. اگر سران کودتا در نمونه های دیگر در سخنان خود جایی برای بگویم بر سر آماجهاشان نمی گذارند، پشتیبان بزرگ این کودتا در سخنرانی بیست و نهم خرداد از "تن علی" و "مختصر آبروی" خود گفت تا کیسه اشک نوب شدگان در ولایت را بفشارد. کودتاگران نه دلیری آنرا داشتند که پای خودسرپها و قانون شکنیهای خود (همان قانون و اسپرگرا و مردم ستیز خودشان) بایستند و نه یاری آنکه مشت آهنین خود را نشان مردم ایران و جهان بدهند. چنین کودتای بزدلانه و زیوانه ای سرانجامی جز شکست نداشت:

- انبوه مردم پرخاشگر به خیابانها ریختند و قدرت خودپنداشته کودتاگران را به ریشخند گرفتند،  
- رژیم کودتا در هراس از گسترده شدن جنبش از دستگیری کسانی که آنان را دشمنان رده اول خود می دانست (موسوی و کروی و همچنین خاتمی و رفسنجانی) دوری جست و دست به دستگیری گسترده کنشگران سناهای انتخاباتی آنان و همچنین چهره های شناخته شده اصلاح طلبان زد. دادگاههای فرمایشی که می پایست نیروی ترس آور و ویرانگر کودتاگران را به رخ مردم بکشند، به نمایش خنده آوری فروکاسته شدند، که تنها گزک بدست هموندان جنبش سبز برای ریشخند هر چه بیشتر کودتا می داد.

- سرکوب گسترده و دممشانه خرداد ماه و تیرماه و دژمنشهایی که بر سر جوانان این آب و خاک در خیابانهای شهر و در پستوهای کهریزک رفت، نه تنها آتش برافروخته دادخواهی را خاموش نکرد، که چون نفت بر آن ریخت و شراره هایش را بلندتر و فروزانتر کرد و هر روز بیشتر از روز پیش مردان و زنان آزادیخواه به این جنبش پیوستند.

- اگر رژیم کودتا در هفته پایانی خرداد ماه تنها با کسانی روبرو بود که "آیشان را پس می خواستند"، خواسته جنبش سبز در دی ماه مرزهای بسیاری را درنوردیده و بپاخاستگان به چیزی کمتر از برچیده شدن ولایت فقیه خرسند نمی شود. بدیگر سخن، مردم با بجان خریدن شکنجه و تجاوز و مرگ نه تنها از خواسته های خود کوتاه نیامدند، که کودتاگران را در این نبرد نابرابر، قهرمانانه چندین خاکریز بازپس راندند.

- حتی یک فرخوان ده واژه ای در یک تارنمای کم خواننده هم بسنده است، تا رژیم کودتا نیروهای زرپوش و موتورسواران و چمقادران مزدورشان را به خیابانها بفرستد، تا از ترس بر خود بلرزند و آرزو کنند که صدایی برنخیزد و مشت افراشته نشود و کسی جامه سبز بر تن نداشته باشد. اگر در دیگر کودتاهای شناخته شده این مردمند که شباروزان بر جان و هستی خویش بیمناکند، در ایران این کودتاگرانند که از ترس مردم خواب ندارند و به گفته یکی از نیروهایشان در روز عاشورا «شش ماه است که در آماده باش شبانه روزی بسر می برند».

- "سانسور" یکی از کارآمدترین ابزارهای سرکوب در رژیمهای کودتاست. رژیم کودتا در ایران نه تنها نتوانست راه را بر آگاهی مردم جهان از آنچه که در ایران می گذشت ببندد، که همچون مگس لوزان و دست و پا بسته در تارهای "تارنمای جهانی" اینترنت گرفتار آمد و چون بی خردی که در خانه های جنبشهای نشسته باشد، همه زشتیها و زشتکاریهای خود را در برابر چشمان جهانیان نهاد. جنبش سبز نه تنها تور سانسور را بنیروی خرد و هوش از هم گسست، که واژه «انقلاب رسانه مند» را نیز از آن خود کرد، تا نخستین خیزش گسترده هزاره سوم با هوشمندی فرزندان ایرانی پیوند بخورد.

- کودتا سنگرهایی را که همیشه از آن خود می دانست، یک بیگ از دست داد. سالروز رخدادهای گوناگون از دینی گرفته تا تاریخی همیشه بزنگاههایی برای جمهوری

اسلامی بودند، تا پشتوانه مردمی خود را بر رخ جهانیان بکشند. سبزه‌ها توانستند با هوشمندی و با بهره‌گیری از خرد گروهی خود این بزنگاهها را برنگ خود درآورند. اگر راهپیمایی و گردهمانی در چنین روزهایی یک راهکار برای بهره‌گیری از تله‌های رژیم برای بدام افکندن خود او باشد، از نگرگاه راهبردی جنبش سبز از چنین بزنگاههایی بهره‌بیشتری خواهد برد. روزهایی چون روز قدس، سیزدهم آبان، شانزدهم آذر و عاشورا، گذشته از آنچه که تا کنون بودند دارای درونمایه و "جان" تازه‌ای شده‌اند، که جنبش سبز در کالبد آنها دمیده است. بدینگونه این روزها در سالهای آینده (اگر رژیم کودتا تا سالی بپاید) نیز بخشی از تاریخ جنبش از ادیوهای مردم ایران را خواهند ساخت و بهانه‌ای برای گردهمانیها و راهپیمانیهای دوباره خواهند شد و از گسست زمانی جنبش جلوگیری خواهند کرد.

کودتا شکست خورده است و اگر هنوز میدان را تهی نکرده و دستها را بالا نبرده است، تنها از آنرو که کودتاگران نماینده و اسپمانده ترین نیروها و گرایشهای جامعه ایرانند و از آن اندازه هوش و تیزبینی برخوردار نیستند که بتوانند نشانه‌های آشکار این شکست را ببینند. این شکست سهمگین از سویی ریشه در فرومایگی و واپسگرایی نیرویی دارد که برنامه ریز کودتا بوده است، و از دیگر سو دستاورد خردمندی و نوین گرایی نیرویی که در برابر آن ایستاده است. رویه این داستان تنها مشتتهای گره کرده و شعارهای آزادیخواهانه در یک سو، و چماقهای برافراشته و زبانه‌های پر دشنام در سوی دیگر میدان را نشان می‌دهد. از نگر من ولی داستان ژرفتر از اینها است. نبرد میان نوین گرایی و کهنه پرستی (همانکه "جنگ سنت و مدرنیته" نامیده می‌شود) که یکسوی پنجاه سال پیش در ایران آغاز شد، اکنون به واپسین آوردگاه خود رسیده است. کهنه پرستان بهترین نیروهای خود را از ژرفنای تاریخ برون کشیده و به میدان فرستاده‌اند. "بهترین" در فرهنگ اینان کسی است که از بکار بردن زور و خشونت ورزی هیچ پروایی نکند. گریزی به دانش فرگشت (تکامل) شاید تهی از هوده نباشد. دانشمندان فرگشت‌شناس مغز جانوران را دستاورد فرآیندی میلیونها ساله می‌دانند و برآنند که هر چه فرگشت مغز یک جاندار از دوره‌های پیشتری گذر کرده باشد، واکنشهای او در پیوند با پیرامونش نیز پیچیده تر است. واکنشهای یک تمساح که مغزش یادگار دوران دایناسورها است و پیچیدگیهای مغز آدمی را ندارد، اگر چه بسیار خشن و ستیزه جویانه اند، ولی پیشبینی شدنی نیز هستند. اگر همین نمونه را سنجهای برای فرگشت اندیشه در انسانها بدانیم، خواهیم دید توان بکارگیری بی مرز و برون از اندازه خشونت و زور، نیاز مند منشی و اسپمانده و اندیشه‌ای کهنه است، اندیشه‌ای که نتوانسته پابهای فرگشت تاریخ بیاید و هنوز در هزار و چهارصد سال پیش و شاید هم پیشتر از آن درجا می‌زند. تنها دارندگان چنین منش و چنین مغزی می‌توانند تجاوز جنسی را برای خرد کردن تن و جان و روان زندانیان، چه زن و چه مرد، بکار بگیرند. باری، کهنه پرستان بهترین و کارآمدترین نیروهای خود را به میدان آورده‌اند. در برابر آنان جنبش نوین گرایی ایران نیز بهترین فرزندان خود را به میدان فرستاده است. اینان شاید آن توده میلیونی که آرزوی هر انقلابی کهنه کاری است، نباشند. اینان بی گمان مانند آرمانخواهان روزگار ما که شاید گوشه چشمی هم به نوین گرایی داشتند، شب را در آرزوی "شهادت در راه خلق قهرمان" سر به بالین نمی‌نهد، ولی اگر با مرگ روبرو شوند، از آن هراسی ندارند. اینان برای آینده شدن جامه کهنه بر تن نمی‌کنند و بر زمین سخت نمی‌خوابند و در یک واژه به پیشواز شکنجه نمی‌روند، ولی اگر با آن روبرو شوند، چشم در چشم بازجویان خود می‌وزند و با ایستادگی خود خوار و زبونشان می‌کنند. اینان با دانشهای نوین جهان سروکار دارند، اگر ما با چشمان باز خواب می‌دیدیم، اینان با چشمان بسته نیز واقعیت را با همه سختی اش می‌بینند. نبرد سیدونجاه ساله ایرانیان با کهنه پرستی به پایان خود نزدیک می‌شود و هیچگاه اردوی نوینگرایی اینچنین پر از سرداران و سربازان دلاور و آگاه نبوده است.

کودتا شکست خورده است. کودتاگران با آن "مغز سومارین"شان اگرچه پروانی از بکار بردن خشونت هرچه بیشتر ندارند، ولی از آنجایی که چنین مغزی همه رفتارهای آنان را به نمونه پیشبینی پذیری از "کنش-واکنش"، آنهم بر پایه نمونه‌های زحمت و نتراشیده خشونت ورزی و ستیزه خونی فرومی کاهد، بسیار شکننده و شکست پذیرند. آنها جز خشونت تیر دیگری در ترکش خود ندارند و بی بهره بودن از مغزی پیچیده و اندیشه‌ای نوین و پیشرفته آنان را بر آن داشت که همه تیرهای خود را از دستگیری و شکنجه و تجاوز و گشتار، در همان روزهای نخست آغاز جنبش بکار بگیرند و پس از شکست سهمگینشان در به خانه راندن از ادیوهای، دیگر تیری برای پرتاب کردن نداشته باشند. حتا نمایندهای کودکانه‌ای که با پاره کردن عکس خمینی و نمایش عاشورا و فیلمی که در باره ندا ساخته شد، آنچنان ناشیانه و خنده آور بودند که تنها و تنها می‌توانستند در پیچیده از مغز یک تمساح باشند. گشتگران جنبش با همه ابزارهای نوین به جنگ کهنه اندیشی و خودکامگی و سرکوب رفته‌اند، کهنه اندیشان تمساح‌های خود را از مرداب بیرون کشیده به جان آزادیخواهان انداخته‌اند. این نبرد شاید که روزگاری بدرازا بگشند، ولی نومیذ نباید بود و گمان بد بدل راه نباید داد؛ تاریخ فرگشت طبیعت نشان داده است که در نبرد میان انسان و سوسمار مغزان، آنکه سرانجام شکست می‌خورد تمساح است. خداوند دروغ، دشمن و خشکسالی را از ایران زمین بدور دارد.

## عزل و نصب مراجع دینی رضا فانی یزدی

وای به حال ملتی که امثال حسین شریعتمداری ها برایشان تصمیم به عزل و نصب مراجع دینی و معنوی اش بگیرند. روزگاری بود که مقتدرترین پادشاهان در کشور ما - از جمله، مقتدرترین پادشاه دوره صفوی، یعنی شاه عباس کبیر که اعیان او از قضا اولین حکومت دینی شیعه را پایه گذاری کردند و به شیعه و شیعه گری در کشور ما رونق بخشیدند و در پناه آنها بزرگترین علما و مراجع دینی شیعه امکان درس و وعظ و خطابه پیدا کردند - تواضع زیاده از حد و احترام فراوان به علما و مراجع مذهبی را بر خود واجب می‌داشتند. شاه عباس صفوی نامه‌های خود را که به شیخ بهایی و صدر المتالیهین شیرازی از مراجع زمان خود می‌نوشت اینگونه امضا می‌کرد:

"کلب درگاه شما، عباس"

**کلب به معنی سگ است.**

نه شاه عباس تصور می‌کرد و نه مراجع که روزی حکومتی دینی به نام جمهوری اسلامی ایران در آن آب و خاکی که شاه عباس اصفهانشان را نصف جهان کرده بود، علما و مراجع دینی را کلب درگاه حکومت کنند. هنوز سه دهه پیشتر از عمر نظام اسلامی نگذشته است. در این سه دهه بزرگترین جفاها به نام حکومت دین به مراجع دینی در این مملکت رفته است. روزی وزیر اطلاعات آن آقای ری شهری سبلی بر گوش مرجع تقلید شیعیان، آیت الله شریعتمداری، نواخت و او را وادار به مصاحبه و "اعتراف" به خیانت به کشور کرد، و روزی دیگر آیت الله العظمی قمی که سالها رنج تبعید و دربدری را در حمایت از آیت الله خمینی تحمل شده بود به بهانه مخالفت با ولایت فقیه پس از استقرار نظام اسلامی به حبس خانگی فرستاده شد.

کمی بعد نوبت به آیت الله خوبی رسید. او که یکی از بزرگترین مراجع شیعیان در عصر حاضر بود، متهم شد که دیانت او عین سیاست آقایان نبوده و همین کافی بود که درباریش خوانده و با سکوت طرد شد کنند. سپس نوبت آیت الله مرعشی شد. دین نگذشته بود که دامن امید امت و امام، آیت الله منتظری، را در آتش خشم و کینه خود گرفت و ایشان را

روانه حبس خانگی کرد و افراد خانواده و نزدیکان ایشان را قربانی کردند و درب خانه اش را جوش دادند و پنجره های خانه اش را میله کشی کردند و مشتکی او باش را به نام حمایت از ولایت فقیه به اطراف خانه ایشان فرستادند و به خانه و کاشانه ایشان سنگ پرانی کردند.

آیت الله سیستانی را که پس از قاجاره عراق به یگانه رهبر توانای دومین کشور شیعه مبدل شده بود و از قضا نسخه جمهوری اسلامی و حکومت ولایت فقیه را برای عراق نمی‌پسندید، انگلیسی خواندند.

اما هنوز کار به عزل و نصب مقام مرجعیت نکشیده بود. گرچه مراجع را بنام می‌کردند و بنگاه های لجن پراکنی آنها از جمله کیهان شریعتمداری از بیان کمترین زشتی در گفتار و تحریک بر علیه مراجع کوتاهی نمی‌کردند، اما عزل و نصب مراجع هنوز در دستور کار آقایان نبود. هنوز گویا حکومت ادعای اسلامیت داشت و مرجعیت منزلتی و مقامی... با ظواهر باند‌های اطلاعاتی در حلقه های تصمیم گیرنده نظام و حذف بخش قابل توجهی از روحانیون درجه اول در سطوح بالای نظام، اینک دور به دست اطلاعاتی های تازه عمامه به سر گذاشته رسیده است. پادوهای دستگاه اطلاعاتی که هیچ معلوم نیست در طول سی سال گذشته که تحت عنوان سربازان گمنام امام زمان فعالیت اطلاعاتی می‌کردند، حالا چگونه و در کدام حوزه های دینی به درجات حجت الاسلامی و آیت اللهی رسیده اند، یکباره غضب بر آیات عظام گرفته و اینبار نه تنها بدنام ساختن، که حذف و عزل و نصب را پیشه کرده اند. درست است که شیخ یزدی به قول از جامعه مدرسین عزل مقام مرجعیت آیت الله العظمی صانعی را اعلام کرده است، ولی کافی است سری به آرشو حسین شریعتمداری در کیهان بزنید و ببینید که عزل آیت الله صانعی را چه کسانی و از کی و کجا شروع کرده اند.

آیت الله صانعی ساهاست که مورد غضب دارو دسته شریعتمداری هاست و اولین قربانی هجوم این دارو دسته، ولی مسلم اینست که آخرین آنها خواهد بود. فردا نوبت آیت الله بیات زنجانی و موسوی اردبیلی خواهد بود و کم کم همه کسانی را که حاضر به پذیرش جایگاه کلب در درگاه آقایان نباشند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با این عمل خود نشان داد که به کلب دستگاه حکومتی تبدیل شده و اوامر دستگاه های اطلاعاتی از جمله حاج حسین شریعتمداری را بازگو می‌کند.

گرچه هنوز تنی چند از آقایان چون آیت الله جوادی آملی و مکارم در این گونه موارد حساب خود را از جامعه مدرسین جدا کرده و حاضر نیستند که سربرآستانه ای درگاه حکومت اطلاعاتی-امنیتی گذارند و برای ایشان چون دیگران عوع نمایند، ولی مایه تأسف است که روحانیت شیعه درست در عصری که به نام او حکومت می‌کنند چنین ذلیل و به خفت افتاده باشد.

تاریخ کشور ما به یاد ندارد که علما و مراجع دینی تا این اندازه عنان اختیارشان در دست دستگاه های اطلاعاتی و حکومتی باشد آنهم حکومتی که به نام اسلام و دین خواهی دیروز خلع لباسشان میکرد و به حبس خانگیشان می فرستاد امروز از مرجعیت عزلشان می‌کند و فردا بعید نیست که بر سر آقایان کلاه بوقی گذشته ویر الاغ بنشانندشان و در خیابانها شهر برای عبرت دیگران به نمایششان بگذارند. شاید این هم یکی از همان خطرانی است که ادغام دین و حکومت برای ارباب دین به همراه دارد بی جهت نیست که بزرگترین علما دینی و مراجع بزرگ شیعه چه قدیم ترها (شیخ مرتضی انصاری) و چه در عصر حاضر (آقایان بروجرودی، خوئی، شریعتمداری، سیستانی، مرتضی حائری یزدی فرزند آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس حوزه علمیه قم و آقای مکارم شیرازی در مباحثات اولیه در مجلس خبرگان و حتی آقای منتظری پس از تجربه حکومت دینی و ولایت فقیه که خود از مروجین آن بود) هر کدام به درجاتی مخالف دخالت در سیاست بوده و با تنوری ولایت فقیه از آن جهت که بیشتر به بی اعتباری دین و مقام روحانیت دینی و مرجعیت می انجامد مخالفت کرده و از آن دوری جسته و می‌جویند.



## WHO POPULAR VOTE FOR YOUR FAVORITE PEOPLE

"The most popular people of the world."

Home Today This week This month Add New Person About Contact  Search



### Sarah for 2012?

[Vote Here!](#)

#### Person Rankings



Total Vote: 51013

Today Vote: 22209

Born 29 September 1941

Khameh, Iran

Political party Independent

Spouse(s) Zahra Rahnavard

Alma mater National University of Tehran

Religion Official Islam

Navigation: [Iran](#) >> [Leaders & Politicians](#) >> [Mousavi](#)

#### Who Is Mousavi?

Mir-Hossein Mousavi Khamehni (Persian: میرحسین موسوی خنمی; MTI: Hōseyā Mīrōsāvī Khāmeṇī; born 29 September 1941) is an Iranian reformist politician, painter and architect who served as the 11th and last Prime Minister of the Islamic Republic of Iran from 1981 to 1989. Mousavi is currently the president of the Iranian Academy of Art and was a candidate for the 2009 presidential election.



He was the last Prime Minister in Iran before the 1989 constitutional changes which removed the post of prime minister. Before that he was the Minister of Foreign Affairs. He is also a member of the Expediency Discernment Council and the High Council of Cultural Revolution. However, he has not participated in their meetings for years, which is interpreted by political analysts and commentators as a sign of his disapproval. In the early years of the revolution, Mousavi was the editor-in-chief of the official newspaper of the Islamic Republican Party, the Jam-e-Jomhuri (Islamic Republic) newspaper. In 2009 presidential election, Mousavi chose green as his campaign color, a color which has since become pervasive in Iran.

Information was taken from wikipedia and it has the same copyright protection, for details please look at wikipedia page of the person.

#### Country Ranking

1. Mousavi	51013
2. Ali Khamenei	8593
3. H. Ali Montazeri	6982
4. Mehdi Karubi	6025
5. Mohammad Khatami	3697
6. Gholi Mohammadi	906
7. M. Ahmadinejad	664
8. Mansour Behnia	410
9. M. Reza Pahlavi	384

[All Iran Leaders & Politicians >>](#)

#### Members

Mitglied dieser Website werden mit Google Friend Connect

Mitglieder (2876) [Details](#)

See find here! [Members](#)

#### World Ranking

1. Mousavi	51013
2. M.G. Ramachandran	38284
3. Chico Xavier	34162
4. Dinko Perica Fra	21748
5. N. T. Rama Rao	18103
6. Duque de Caxias	8647
7. Ali Khamenei	8593
8. Rajarathna Reddy	6068
9. H. Ali Montazeri	6982

[All Leaders & Politicians >>](#)

برای تبدیل به چهره محبوب سیاسی

به موسوی رای بدهیم

سایت: <http://whopopular.com/Mousavi>

محبوب ترین چهره سیاسی را به رای گیری گذاشته است.

در این سایت نام مهندس میرحسین موسوی در ردیف دوم قرار دارد.

برای انتخاب مهندس موسوی بعنوان چهره محبوب سیاسی روی عکس او کلیک کنیم. در صفحه ای که باز می شود

به موسوی رای بدهیم.